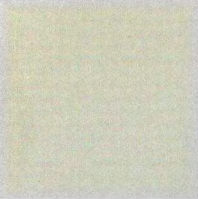




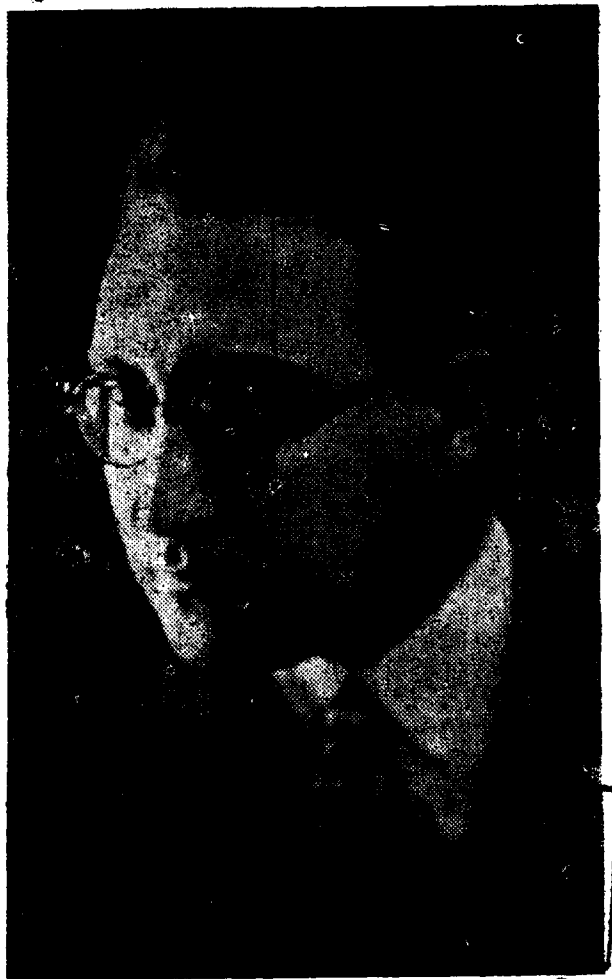
اصول تشکیلات حزبی

قلم : اردھیر اوسیان





۱۳۳۳



دکتر قی ارانی

بقلم : اردهیر اوسیان

تذکر

یکی از شرایط اولیه پیروزی در
مبارزه اجتماعی آموختن فن مبارزه است
مقالاتیکه تحت عنوان اصول تشکیلات
حزبی در این روزنامه درج خواهد شد
بقلم یکی از رفقای آزموده ما برای تعلیم
فن مبارزه حزبی نوشته میشود ماهمه اعضاء
حزب را به مطالعه و فرا گرفتن آن
توصیه میکنیم
هیئت تحریریه روزنامه رهبر

اصول تشکیلات حزبی



دانائی تشکیلاتی راز کامیابی تشکیلاتی است

برای اداره کردن يك نهضت مترقی که میخواهد حتماً به هدف خود برسد باید اجتماع را شناخت و طریقهٔ راه بردن افراد جامعه و روش و متشکل ساختن آنان را دانست .

دانش تشکیلاتی امروزه خود دانش پهناور و دقیقی است که لازمهٔ فرا گرفتن آن نه فقط فهم و تشخیص صحیح بلکه قابلیت و استعداد خوب نیز میباشد . بدون فرا گرفتن این دانش کامیابی در کار تشکیلات نصیب نمی‌شود و یکی از نواقص حزب ما در این است که افراد و کادر ، آن همگی چنانکه شاید و باید در امور تشکیلاتی واقف نیستند .

فصول این کتاب که بتدریج درجراید حزبی درج شده بود اکنون جداگانه انتشار می‌یابد با مطالعه آن رفقای حزبی و به‌خصوص کسانی که به تعلیمات منظم تشکیلاتی دسترس ندارند کم و بیش بطریقهٔ ادارهٔ سازمان حزبی بی‌می‌برند .

این کتاب را رفیق مبارز ما اردشیر عضو کمیته مرکزی حزب توانمیران تدوین نموده‌اند . رفیق ما اردشیر که دارای تجارب بیست و پنج سالهٔ مبارزهٔ سیاسی هستند برای نگارش این کتاب دارای آزمایش کافی و صلاحیت کامل میباشند . ایشان فصول مختلفهٔ این کتاب را در خلال مشاغل گوناگون اجتماعی نوشته و آن را بتدریج درجراید حزبی بچاپ رسانده‌اند اکنون با انتشار آن در حقیقت طرح‌مقدماتی

هرگونه کتابی را ممکن است در این زمینه نوشته شود ریخته ایشان
حصاره تجارب شخصی و معلومات تشکیلاتی و علمی خود را برای ما
تدوین کرده اند و جادارد که رفقای آزموده دیگر نیز برای غنی ساختن
مطالب این کتاب و تکمیل آن قدم بردارند .

هر قدر که بر حجم کتب تشکیلاتی و حزبی ما افزوده شود درجه
فرهنگ عمومی افراد حزب ما بالاتر برود سنگرهای مبارزه سیاسی
ما محکمتر و عسکست ناپذیرتر خواهد بود .

در پایان برای رفیق مبارز خود اردشیر موفقیت های اجتماعی
را آرزو مندم .

احسان طبری

مقدمه

دو سال نیم مبارزه - نقطه تحول - نقش حزب توده ایران - آزمایش انتخابات -
بزرگ شدن حزب نواقص تشکیلاتی
دو سال ونیم مبارزه

دو سال ونیم از مبارزه ما ، از مبارزه اجتماعی دشوار ما میگذرد
در این دو سال ونیم بدون تردید به کامیابی های درخور ملاحظه ای
رسیده ایم . روزهای اول تمام جمعیت ما در اطاق خانه سلیمان اسکندری
رفیق ما جای می گرفت . امروز در شهرها و ده های دور دسه ایران
سازمان های حزبی کار میکنند مؤسسات و مطبوعات و نفوذ اجتماعی
و سیاسی توسعه یافته در مجلس چهاردهم و کیل داریم ، ولی اینها
همه دلیل بر آن نیست که روش کار ما بی نقص و کوشش ما کافی
بوده است . نه ، برعکس روش کار ما نواقص بسیار دارد و ما خیلی
بیش از اینها و بهتر از اینها می توانستیم کوشش کنیم . در حقیقت وظیفه
احیاء ملت ایران بر عهده است زیرا ما در میان جنبش های حزبی
بدون آنکه بخواهیم از ارزش آزادیخواهان دیگر بکاهیم ، هشیاری
بیشتر و دلاوری فزون تر داریم و دارای يك ، کادر ، ماهر تر و ورزیده

تر هستیم

نقطه تحول

این دو سال ونیم اخیر نقطه تحول بزرگ در جریان بین المللی
و در زندگی ملی ما بود . امروز جهانیان و از آن جمله ایرانیان بسیاری
نکات را درک میکنند که چندی پیش درک نمیکردند برای ایرانیان
در این دو سال ونیم حوادث مهم و با تأثیر رخ داده و روح مردم ما اکنون
در حال تحول بزرگی است آنها از سکوت بیست ساله بیرون آمده اند

جامعه دموکراسی از آنها انتظارات تازه دارد نطفه های يك جامعه دموکرات پیدا شده ولی هنوز شکل نگرفته . مبارزه حزبی، مطبوعات انتخابات و مبارزه پارلمانی همه و همه بشکل ناشیانه و ناقصی است ولی بغوی می توان حس کرد که کم کم جبهه ها مشخص میشود و مردم تربیت دموکراسی و شرائط تازه اجتماعی را می پذیرند وظیفه حزب توده ایران در این جریان تحولی البته بسیار بزرگ است .

نقش حزب توده ایران

حزب ما میخواهد این تحول را تقویت کند و آنرا منظم سازد . میخواهد هر چه زودتر هر چه بهتر جامعه نوین دموکرات بر پایه ای استوار ساخته شود میخواهد عناصر و عوامل ارتجاعی ریشه کن شوند و حکومت ملی و آزادیخواه ایرانی از دستبرد دسائس و توطئه مصون و ایمن بماند اجرای این نقش بسیار دشوار است حزب توده ایران بدون شك بامبارزه بر علیه سیدضیاء الدین طباطبائی یکی از خطرناکترین نمایندگان جنبش ارتجاعی و بانفوذ در صحنه پارلمان تا حدودی این وظیفه را اجرا کرده و هنوز بجائی نرسیده که از خود راضی و خشنود باشد، هنوز فداکاری های هوشمندانه و شجاعت های بجا و اقدامات اساسی بسیار لازم است

آزمایش انتخابات

ما برای آنکه در اجرای وظایف خود کامیاب گردیم باید روز بروز محکمتر و هم آهنگتر و متحدتر شویم، در مبارزه انتخاباتی که یکسان واقعی قوای اجتماعی است تاحدی این منظور حاصل شد . خوبها و بدها سست ها و محکم ها شناخته شدند . بطور کلی افراد حزب از خود شوق و جدیت در خور تحسینی نشان دادند در این مبارزه ملت ایران بدو اردوی مخالف تقسیم شده بود ۹۵ درصد ملت واقعی

و صدی پنج دسته مرتجعین و محترکین و سود پرستان و جاه طلبان . البته شکست با صدی نود و پنج بود زیرا نه حزب ما و نه هیچ تشکیلات دیگری نتوانست آنها را هدایت کنند حزب ما باید روزی چنان نفوذ و حیثیتی بدست آورد که بتواند اردوی عظیم ملت را در برابر آن اقلیت خیانت پیشه متشکل سازد .

بزرگ شدن حزب و اوایش تشکیلاتی

برای آنکه چنین مقصودی حاصل گردد لازم است که تشکیلات حزبی ما بازرگی تدریجی حزب همگام گردد . اکنون حزب ما بسیار وسیع شده ولی سازمان های حزبی ما بخوبی از عهده اداره این حزب وسیع بر نمیآیند این بزرگترین نقص ماست و حال آنکه در داخل حزب با اندازه کافی انرژی ذخیره وجود دارد . در داخل حزب مجاهدان دانشمند و مبارزین حادثه دیده و مجرب غیر کافی نیستند . اینها باید در لوای یک سازمان جدی و دقیق حداعلای کوشش خود را بکار اندازند و این نهضت بزرگ توده ای را بهدفعهای خود برسانند . برای ما کعب پیروزی در میدان اجتماع دشوار نیست زیرا ما با سلحه علم مجهزیم و زره فداکاری و پاکدامنی را برتن داریم . تنها حربه بزرگ دشمنان

مادشنام و تهمت است دشمنان ما از این حدقدم فراتر نخواهند گذاشت وقتی ما درده ، در اداره ، در کارخانه برای حزب و برای سعادت ایران کار میکنیم آنها را نخواهیم دید . آنها با پستی ها و آلودگیهای خود حریف میدان ما نیستند ، لذا کافی است که ما فقط با تحکیم مبانی تشکیلاتی خود مقدمه اضمحلال قطعی آنها را فراهم آوریم .

در کنگره حزبی که بزودی تشکیل خواهد شد فرد فرد ما وظیفه داریم که با استفاده از تجارب گذشته حزب توده را بیک حزب محکم و متحدی تبدیل نماییم که شایسته وظایف خطیر اجتماعی خود باشد

حزب چیست ؟

حزب توده چه هدفی دارد و از چه گونه دسانی تشکیل شده
تجربیات حزبی و اهمیت آن

حزب چیست ؟

در زبان و اصطلاح اجتماعی حزب را بنحوی گوناگون تعریف می کنند ولی چیزی که در نزد علمای اجتماعی بیشتر مورد قبول است که حزب مجموعه از پیش آهنگترین و چیز فهمترین و مجاهدترین افراد یکی از صنوف اجتماع است .

حزب توده چیست ؟

دشمنان آزادی میخواهند چنین جلوه دهند که حزب توده فقط مدافع منافع صنف کارگر است و سعی دارند تا جنبه ملی حزب ما را منکر گردند و حال آنکه حقیقت چنین نیست .

حزب ما یک وظیفه ملی و یک وظیفه بین المللی و بشری دارد از لحاظ جهانی و بشری حزب ما مدافع حق و آزادی در مقابل فاشیسم و ارتجاع بین المللی است این وظیفه حزب ماست زیرا ما بخوبی می دانیم که اگر فاشیسم از بین نرود و اگر افکار ارتجاعی با رسوائی تمام نابود نگردد هیچگونه محیط ایمن و ضمانت شده ای برای آزادی در جهان وجود نخواهد داشت با تسلط استبداد بین المللی طبیعتاً آزادیخواهان ایران نیز باید بغفت بندگی و تسلیم یا بشرافت مرگ در راه عقیده و مسلک تن در دهند .

بهین جهت حزب توده نسبت بحریان جهانی لاقید نیست به

جریان جهانی با نظر علاقه می نکرد و میل دارد که او نیز در این

کوشش شگرف جبهه آزادی برعلیه آده نوران فاشیست نقشی

داشته باشد .

آیاقط کارگران باید برعلیه فاشیزم بجنگند ، نه . درست است که در تسلط فاشیزم طبقه کارگر متحمل مضار و محرومیت های سنگین تری می شود ولی از دست دادن آزادی برای همه افراد اجتماع ، اعم از صنف و طبقه و مقام و ثروت ایشان ، تلخ و زیان بخش است . بخصوص اینکه فاشیزم ما مردم شرق را موجودات نیمه حیوانی میدانند مبارزه بر علیه این ننگ و این سفاکی بی نظیر و وظیفه حتمی همه افراد است

مبارزه برعلیه فاشیزم از طرف افراد حزب توده تازگی ندارد حتی موقعی که تازه فاشیزم آلمانی رشد می یافت عده از مجاهدین کنونی حزب ما بر علیه آن مبارزه می کردند ما این مبارزه را پس از شهریور ۱۳۲۰ با شدت تمام دنبال کردیم در موقعی که بهیچوجه محیط مساعدی نداشتیم امروز عده کسانی که با مادر این مبارزه شریک و هم عقیده اند کم نیستند .

اما وظیفه ملی حزب ما وظیفه مقدس حفظ و حراست آزادی

و تقویت آن است در فرونت داخلی جبهه ارتجاع بسیار قوی است . ما باید باین نکته دقیقاً و عمیقاً پی ببریم . ارتجاع بهیچوجه مغلوب نشده و سعی دارد که بار دیگر وحشتناکتر از اول سر بلند کند . حزب توده مجمع افرادی است که خود را سرباز مدافع آزادی و قانون اساسی معرفی می کنند لازم نیست که چنین کسانی فقط کارگر باشند . درست است که با فقدان آزادی کارگران تحت فشار و آزار بیشتری قرار

می گیرند ولی زهر استبداد زندگی همه را تلخ می کند در نبردی که ما برای حفظ آزادی می کنیم کارگران ، دهقانان ، دانشوران ، پیشه‌وران ، کارمندان خورده مالکین همه و همه باید باما شریک و یار گردند . حزب توده حزب همه افراد ایران است بجز کسانی که از لحاظ منافع خصوصی خود با آزادی ملت ایران طبعا مخالفند . پس حزب ما فقط یک حزب کارگری نیست بلکه حزب ۹۵ درصد ملت ایران است . یک حزب ضد فاشیست یک حزب دموکرات و ملی است این نکته ایست که بخصوص باید متوجه بود و اشتباهکاران را بآن متوجه نمود .

تجربیات حزبی

برای آنکه حزب توده ایران ساختمان حزبی خود را محکم سازد باید از تجارب تمام احزاب گذشته ایران استفاده کند تا اشتباهات مرتباً تکرار نشود و حزب قوت بگیرد و بتواند در موقع بروز حوادث سهم‌گین استادگی نشان دهد حزب توده ایران دنبال کننده کار بسیاری از احزاب آزادیخواه پیشین است و خیلی از کسانی که در ایام استبداد و پیش از آن در تشکیلات آزادیخواهانه شرکت داشتند عضو این حزبند باید نتیجه تجارب آن احزاب را در باره روشها و اشخاص مطالعه کرد و عملی نمود از طرفی باید در عین حال از تاریخ احزاب سیاسی جهان عبرت پند گرفت .

با استفاده از تجارب احزاب سیاسی جهان پایه علمی حزب محکم می‌شود . حزبی که پایه تجربی و علمی محکم دارد با دوام خواهد شد البته حزب توده ایران تا کنون از این دو نوع تجربه استفاده کرده و بهمین جهت است که سرنیزه و مشمت و دشنام مرتجعین متوجه اوست

ولی این هنوز کافی نیست فردا که صلح برقرار میشود این حزب باید بتواند از خطر احتمالی کسانی که می‌خواهند بر علیه مشروطیت قیام کنند بخصوص از خطر احتمالی سید ضیاء و دسته خطرناک او جلو گیری نماید

ما باید جداً این مسئله را درک کنیم که در يك موقع دشوار و بار يك وظیفه سنگین و مقدسی را بر عهده گرفته ایم . آزادی ایران بتار موئی بسته و اگر اتحاد آزادیخواهان نباشد بار دیگر کابوس ارتجاع تکرار خواهد شد . با انکاء بعلم میارزه و با يك عمل دقیق و خون سرد و فدا کار باید این لشکر جیره خواران استبداد پرست را تاراند .

این کار بخصوص وظیفه حزب توده ایران است

پایه های تشکیلات

- « دواصل تشکیلاتی - دمو کراسی - تمرکز - انضباط و انواع آن - »
- « لزوم فعالیت عمومی افرادیکه عضو تشکیلاتند »

دواصل تشکیلاتی

تشکیل حزب ما متکی بر دو اصل مهم و اساسی است که یکی را دمو کراسی و حق حاکمیت اعضاء حزب ، و دیگری را سانترالیزم و «تمرکز» می نامیم هر قدر این دواصل در حزبی کاملتر و بهتر اجراء شود تشکیلات آن حزب قوام و دوام بیشتری پیدا خواهد کرد

دمو کراسی

دمو کراسی یعنی اینکه کلیه دوائر مسئول حزبی باید از طرف حزب انتخاب شوند از ناظم و صندوقدار و منشی حوزه گرفته تا منشی کمیته مرکزی همه افرادی هستند که بر اثر انتخاب باین مقامات گماشته می شوند .

سیستم انتخابات در داخل حزب بوسیله کنفرانس‌ها و کنگره‌ها انجام می‌گیرد و ما در باره آن بعداً صحبت خواهیم کرد
دیگر آنکه هر فرد حق اظهار عقیده و بحث در مسائل حزبی دارد و حزب موظف است که پیوسته از نظریات اعضای خود مطلع شود و آنها را در صورت صحت تصویب و مورد اجرا گذارد. دیگر آنکه هیچگونه تفاوتی ما بین اعضای حزب نیست و همه کس حق دارد در صورت بروز فعالیت ترقی کند و بمقامات عالی‌تر حزب برسد. نقض این اصول نقض اصول اساسی یک سازمان حزبی صحیح است. افرادی که با رفتار خود دموکراسی حزبی را متزلزل می‌کنند، یا کمسیونها و مقامات مسئول که تمایزی بین افراد قائل می‌شوند و از اجرای کامل آزادی فرصت و آزادی عقیده در حزب جلوگیری میکنند باید جداً مورد بازخواست قرار گیرند و مجازات شوند.

ساتر الیزم

ولی برای آنکه دموکراسی منجر به هرج و مرج نشود سازمان حزبی تابع اصل دیگری است که ساتر الیزم نام دارد بدین معنی که آراء و افکار پس از آنکه در یکی از مجامع مسئول حزبی بصورت تصمیم در آمد فرمان واجب الطاعه است که احدی نباید از آن سر پیچی کند در حزب ما اکثریت حاکم بر اقلیت است یعنی رای اکثریت در قبال رای اقلیت قاطع خواهد بود هر کسی حق دارد تا پیش از گرفتن تصمیم از نظر خود شدیداً دفاع کند ولی پس از اتخاذ تصمیم لجاجت در اجرای نظری که فکر اقلیت است تخلف از اصول حزبی شناخته می‌گردد مقصود دیگر از ساتر الیزم این است که حزب تابع مجامع منتخبه خود محسوب میشود کمیته در مقابل کنگره مسئول

است کمیسیونها در مقابل کمیته‌ها و حوزه‌ها در مقابل کمیسیون‌ها و افراد در مقابل حوزه‌ها خودسری و خودرایی و اجرای عملی برخلاف تصمیم یا بدون اطلاع مجامع مسئول حزبی تخلف محسوب میشود و قابل مجازات است .

انضباط

برای اجرای این دو اصل انضباط لازم است تفاوت فرد حزبی با فرد عادی در این است که فرد حزبی وظیفه و تکلیف اجتماعی دارد و مسئولیت حس می‌کند فرد حزبی باید با اصول مقدسه حزبی خود تابع باشد عناد و خودرایی نکند و تصمیم اکثریت را مانند قانون مقدسی مجری دارد . انضباط بر دو قسم است انضباطی که بوسیله زور و ترس تحمیل میگردد و انضباطی که منطق و وظیفه و منافع حزبی و اجتماعی ایجاب می‌نماید ما با انضباط نوع اول مخالفیم زیرا روح دموکراسی را در شخص می‌کشد و مقصد ما انضباط نوع دوم است .

حزب توده ایران مانند لشگری است که در پیکار اجتماعی

برای تقویت و حراست آزادی می‌جنگد اگر در جبهه ما انضباط

حکمفرما نشود متلاشی شدن ما حتمی است ما باید بکوشیم تا نواقص

خود را از این لحاظ در حزب جداً مرتفع سازیم .

فعالیت عهومی

در یک حزب واقعی افراد با انضباط پیوسته برای پیشرفت حزب خود کار می‌کنند این یکی از شرایط مهم است عضویت در حزب برای تجمل نیست . کسی که عضو حزب میشود حتما در اجتماع خود نقص و در حیات خود محرومیتی مشاهده می‌کند .

اگر چنین است باید در رفع این نقائص و محرومیت‌ها تلاش نماید کسانی که کارت عضویت را در جیب خود می‌گذارند و می‌روند افراد مهم‌ل و بی‌خاصیتی هستند که بمعنای حزب بی‌برده‌اند لازمه عضویت در حزب انجام يك عمل منظم اجتماعی است. کسی که در حزب وظیفه مرتبی را انجام ندهد عضو حزب محسوب نخواهد شد. این قبیل اشخاص

حزب را دچار بی‌کاری و تنبلی و بالاخره انحلال خواهند کرد.

به‌ضی‌ها تصور می‌کنند همینکه حق عضویت را پرداختند و مرامنامه را پذیرفتند و کارت عضویت را دریافت داشتند عضو حزبند اینها در اشتباهند .

ما که دعوی بزرگی داریم باید کوشش بزرگی هم بکنیم .

البته تشکیلات هم باید در ارجاع ماموریت با افراد و مطالبه نتایج کار از آنها مراقبت بخرج بدهد .

در حزب ما این نقص هست و این نقص را باید با جدیت تمام بر طرف نمود .

تشکیل حزب

موسسین حزب - حوزه اهمیت آن از لحاظ تشکیلات سازمانه-ای فوقانی-حوزه و طرز ایجاد حزب در يك شهر .

موسسین حزب

حوزه اساس حزب است اگر حزب‌دارای حوزه‌های منظم و

مرتب و فعال باشد بدون شك آن حزب آینده بسیار درخشانی خواهد

داشت . بهمین جهت حزب باید برای نظم و ترتیب حوزه‌ها و ملرزکار

آنها اهمیت فوق‌العاده قائل گردد .

حوزه باید دارای دفاتر منظم باشد برنامه کارش معین باشد در حوزه باید احتیاجات فکری و روحی افراد حزب کاملاً تامین گردد حوزه‌ها را باید از وضع کسل کننده بیرون آورد در حزب ماطرزکار حوزه‌ها خوب نیست دارای نظم و ترتیب کامل نیستند غیبت در حوزه‌ها زیاد رخ میدهد صندوق و منشی گری و نظافت حوزه‌ها هیچکدام خوب کار نمی کنند افراد از حوزه‌ها و حوزه‌ها از افراد چندان نمی نمی گیرند. همین امر اگر ادامه یابد یکی از علل بزرگ عدم موفقیت کامل ما در ایجاد يك سازمان بسیار محکم داخلی خواهد بود. ما اکنون که يك عیب را تشخیص میدهیم باید از چاره کردن دریغ

نکنیم. ناظمین و منشیان و صندوقداران حوزه‌ها باید بوظائف خطیر خود پی ببرند و در تحکیم حوزه‌ها جدیت و افری بخرج بدهند حوزه ممکن است کوچهای و محله‌ای باشد بدین معنی که افراد يك محله صرف نظر از شغل و صنف آنها در يك حوزه جمع شوند این نوع حوزه‌ها بواسطه نا جوری افراد نمیتواند کار بزرگی انجام دهد نوع دیگر حوزه‌ها افراد همجنس است که در جنب کارخانه و بنگاهها و موسسات مختلف تاسیس می گردد و اعضاء آن افراد این کارخانه ها و موسسات می باشند. در این حوزه‌ها بواسطه بودن منفعت مشترك و تساوی تقریبی روحی و فکری کار بهتر پیش میرود و نتایج اجتماعی زیادتری می بخشند حوزه‌های حزب ما تاکنون باین صورت در نیامده و باید کوشش شود که حتماً تابع این ترتیب صحیح گردد.

سازمانهای فوقانی

پس از حوزه چنانکه تشکیلات شهر بزرگ باشد کمیته محلات شهر بعد کمیته شهری بعد کمیته ولایتی سپس کمیته ایالتی و بر رأس

همه کمیته مرکزی است. کمیته‌های محلی و شهری و ولایتی و ایالتی بوسیله کنفرانس نمایندگان حوزه‌ها و کمیته مرکزی بوسیله کنگره نمایندگان کمیته‌ها تشکیل میشود. پس کنگره عالی‌ترین سازمان حزبی است زیرا حق تعیین کمیته مرکزی را دارد.

حال اگر کمیته مرکزی بخواهد در شهری حزبی دائر کند نخست مأمور کمیته بشهر می‌آید و بمطالعه شروع می‌کند. آنگاه يك چند نفر از افراد شایسته را می‌یابد که عضویت حزب را می‌پذیرند آنها برای خود حوزه ای ترتیب می‌دهند پس از آنکه حوزه‌ها متعدد شدند کمیته شهری خود را بوجود می‌آورند ولی چون در بدو امر کمیته جدید را نمی‌توان در محل انتخاب کرد و شرایط انتخابات وجود ندارد قبلاً از طرف کمیته مافوق يك کمیته موقتی تعیین میگردد تا کنفرانس تشکیل شود در کنفرانس جدید کمیته قانونی انتخاب میشود

انتخابات در حزب

» انتخابات و انواع آن - کنفرانس و کنگره - کمیته مرکزی، بوروی سیاسی - منشیگری و اختیارات آن.

انتخابات حزبی

انتخابات حزبی با رأی مخفی صورت می‌گیرد انتخابات هیئت رئیسه حوزه و اعضاء کنفرانس مستقیم و يك درجه ایست ولی انتخاب اعضاء کنگره دو درجه و اعضاء کمیته مرکزی نسبت با اعضاء ساده‌ای حزب سه درجه ایست. بدین معنی که عضو ساده حزب عضو کنفرانس را انتخاب می‌کند. وی عضو کنگره را و عضو کنگره عضو کمیته مرکزی را. البته اعضاء کمیته مرکزی اعضاء بوروی سیاسی و منشیگری را بر می‌گزینند.

کثیر الس وکنگره

اگر قرار شد تمام اعضاء يك ناحیه در انتخاب کمیته محلی و یا تمام اعضاء حزب در انتخاب کمیته مرکزی شرکت جویند یا برای اتخاذ تصمیمات و شرکت در مشاورات عمده در محلی گرد آیند امری دشوار خواهد بود لذا هر سال هیئتی از منتخبین اعضاء حزب با اختیارات معین انجمن می کنند و در آن انجمن ها پاره ای از امور حزبی رسیدگی می نمایند

۱ - کنفرانس : از اعضاء منتخبه از حوزه ها تشکیل میشود و حق دارد به امور کمیته های محلی رسیدگی کند و کمیته محلی و کمیسیون تفتیش محلی جدید را تشکیل دهد در کنفرانس اعضاء کنگره انتخاب می شوند (به تعداد از هر ۳۰ عضو يك نفر)

۲ کنگره - تمام نمایندگان منتخبه در کنفرانس ها گرد می آیند و سالی یکبار عالیترین شورای حزبی یعنی کنگره را تشکیل می دهند و کنگره حق دارد که در باره تمام حزب از لحاظ مرام و نظام و سازمان تصمیمات متناسب بگیرد

کمیته مرکزی

کنگره چنانکه گفته شد عالیترین ارکان حزبی است ولی چون نمی تواند دائماً جلسه داشته باشد بنابراین جانشینی برای خود میگذارد که عبارت از کمیته مرکزی است اغلب اتفاق می افتد که تمام اعضاء کمیته مرکزی در يك شهر زیست نمی کنند . لازم است هر چند ماه یکبار جلسه تمام اعضاء کمیته مرکزی تشکیل شود این جلسه را پله نوم (مجمع عمومی) کمیته مرکزی می نامند

کمیته مرکزی يك هیئت رئیسه انتخاب می کند که ۵ یا ۷ نفرند

و این هیئت راهیئت سیاسی (بوروپلتیک) می نامند، رهبری کلیه جریانات عمده حزبی با این هیئت است باید پیوسته در مرکز حاضر و دائماً سرگرم فعالیت باشند زیرا در واقع برجسته ترین نفرات حزب اند برای اداره کردن کارهای جاری منشیگری و مسئول انتخاب میشود که عبارت از سه نفرند. و این سه نفر باید از اعضاء بوروی سیاسی باشند یعنی از مسئولین حزبی بشمار آیند. این سه نفر منشیان مسئول حزب نام دارند. منشیگری یا دبیران کارهای مرکز و ولایات را اداره می کند شعبه تشکیلات و تبلیغات (که روزنامه های حزبی نیز جزو تبلیغات هستند) مطیع دبیر خانه خواهند بود و رهبری همه این موسسات و حتی فراکسیون پارلمانی نیز با کمیته مرکزی است.

نکاتی که باید دانسته و رعایت شود

مبارزه داخلی و خارجی حزب - مدرسه حزبی - ذخیره افراد - توجه
بکارهای کوچک - پایان رساندن کار
مبارزه داخلی و خارجی حزب

برای حزب دو جبهه وجود دارد. در جبهه اول حزب بر علیه عناصر ارتجاعی و دشمنان آزادی می جنگد - این جنگ حزب و نفرات آن را آزموده و محکم میکند این مبارزه بجز روح می بخشد و آن را توسعه می دهد و توده را بطرف حزب جلب می نماید. حزب بدون این مبارزه معنی و هدف خود را از دست می دهد و دچار جمود و فساد می شود و در خطر اضمحلال می افتد.

مبارزه دوم مبارزه داخلی، مبارزه بر علیه فرصت طلبان اشخاص

منحرف سود پرستان و کلیه کسانی است که حزب را از صفا و پاکی می اندازند و آن را بد نام و گمراه و تباه می سازند . هر چه حزب بزرگتر میشود و هر چه مبارزه خارجی شدت بیشتری بخود بگیرد افکار منحرف و نيات پلید در داخل حزب آشکار تر میگردد . در حزب باید با عفت، تدبیر و غلظت و منحرف مبارزه کرد باید از اخراج کسانی که برندگی و پاکی حزب را از بین میبرند هر اسی نداشت حزب کوچک باشد ولی محکم و پاك باشد با يك عده محدود ولی با ایمان بهتر میتوان کار را پیش برد تا با عده های وسیع بدون ایمان و فاقد روح اتحاد و فدا کاری .

در عین حال باید دانست که مبارزات داخلی حزب را ضعیف می کند و گاه بسیار خطرناک است زیرا ممکن است به تقسیم حزب منجر گردد لذا نباید گذاشت که در حزب مبارزات داخلی پدید شود و قوت و دامنه بگیرد ، باید امکان نداد که این مبارزه ظهور کند و حتی المقدور باید جلوگیری کرد ولی چنانچه شرایط محیط و مبارزات خارجی در افراد حزب نفوذی نماید و افکار آنها را منحرف سازد و آنها بخواهند عقاید نا درست را وارد حزب کنند بایستی شدیداً مبارزه کرد .

مدرسه حزبی

حزب باید منابع همده داشته باشد . در این منابع ذخیره برای حزب تهیه میشود علاوه بر حزب توده ایران تشکیلاتی مانند اتحادیه های کارگری و کشاورزی و سازمان جوانان سازمانهای دیگر وجود دارد . در این سازمانها افراد زیادی مبارزه می کنند و کار آزموده می شوند . برجسته ترین و فعال ترین آنها باید وارد حزب شوند و ذخیره

نفراتی حزب را تقویت کنند . حزب نباید هرگز از تهیه افراد لایق و شایسته غافل باشد و برای این کار باید اشخاص را بسنجد و این اتحادیه ها و سازمانها در حقیقت آزمایشگاه خوبی برای سنجش افراد است.

اوجه نكاهای كوچك

كسی كه میخواهد راهنمای يك جامعه باشد نباید از كوچك ترین كار بگریزد . وظیفه عضو خوب تن در دادن به همه جور كار اجتماعی است . باید كارهای خرد و حقیر و كارهای سخت و دشوار را با نهایت میل انجام داد . نقطه آن کسی از عهده انجام كارهای بزرگ میآید كه بتواند كارهای كوچك را بخوبی انجام دهد . يك فرد اجتماعی یعنی كسیكه خدمتگذاری توده و اجتماع را پذیرفته است . چنین کسی هرگز نباید از « كار سیاه » و كارهای سخت یا حقیر فرار كند .

پایان رساله نكاه

وقتی شخص كاری را آغاز می كند باید پایان برساند و تا آخر پیش برود . نیمه كاره عملی را انجام دادن بسیار بدو دلیل سستی رای و تردید و ناتوانی شخص است . باید كار را با ایمان و با استحکام و دقت و تا پایان انجام داد . اگر نیمه راه دید كه بر خطا می رود نباید از جبران فوری خطا خود داری نماید . لجاج و ایستادگی در خطا صفت بسیار خطرناکی است . کسانی كه دچار خودپسندی میشوند و با وجود درك خطا از تصدیق آن سر باز میزنند هم بخود وهم با اجتماع زیان های بزرگ وارد میآورند بسیاری اوقات خیانت های عظیم از همین لجاج بیجا ناشی شده اشتباه کردن برای کسی ننگ نیست و اعتراف با اشتباه بكنوع شجاعت و صفت بسیار ممدوحی است .

نکاتی که باید دانسته و مراعات شود

ترادیسون حزبی

بر حسب تفاوت محیط صفات کلی احزاب تفاوت می کند. مثلاً حزبی که در یک محیط نا مساعد بر علیه استبداد بعزم کسب آزادی بمبارزه اقدام مینماید.

در اثر خطراتی که پیوسته با آنها مواجه است و مشکلات کار طبیعتاً شجاع و دقیق بار می آید.

بطور کلی برای هر حزبی يك سابقه تشکیلاتی يك ترادیسون حزبی لازم است. هر حزب در آغاز پیدایش بواسطه تازه کار بودن دستخوش خطایای بسیار میشود. ترادیسون حزبی کادر و تجربه و نفوذ و شهرت و افتخارات حزب را بوجود میآورد و از او پر دوامتر و محکمتر و پابرجاتر میسازد.

حزب ما هنوز يك حزب تازه کار و جوان است و بهمین جهت باید در جریان حوادث سخت و آزموده شود ولی البته باید کوشش کرد که حزب روز بروز در جاده کمال پیش رود.

اعضاء حزب مسئولیت بزرگی در حفظ حیثیت حزب دارند. اعضای حزب ما بایستی نمونه تمدن و اخلاق قرار گیرند. بخصوص در محیط ایران که قضاوتها بسیار سطحی سربع و بیرحمانه است باید نهایت دقت را در رفتار و گفتار نمود تا لطمه بحیثیت حزبی که ما در آن عضویم وارد نشود. يك فرد حزبی باید بکوشد که روز بروز بر معلومات و اطلاعات خود بیفزاید. حتی در پوشیدن لباس و حرکت و نشست برخاست خود دقت کند و کوشش داشته باشد تا در جامعه و در محیط خود دارای وزن و نفوذ معنوی گردد کاری نکند که حزب

او را مجمع آشوب طلبان یا افراد لالابالی و بی قید بدانند
در يك كلمه وظيفه يك فرد حزبی آنست که در محیط خود
سرمشق انسانیت قرار گیرد .

درس از توده

اصولاً شخص هر قدر هم که پخته باشد در عین حال باید از توده
مردم که سواد چندانی ندارند در زندگی خود درس بسیار بیاموزد
- نباید هیچوقت به بیسوادترین و نادانترین دهقانان یا کارگران بچشم
حقارت نگرست . باید بتوده احترام کرد و از او علم مبارزه را
آموخت . نباید موقع تبلیغ معلومات حزبی بمردم از بالا بآنها
نگاه کرد و پنداشت که این نادانی توده در حقایق اجتماعی بی بهائی
آنها است . بلکه باید تبلیغ و روشن کردن ذهن توده را يك وظیفه
حتمی الاجرا دانست .

هر عضو حزب خواه بزرگ خواه کوچک باید همیشه فکر
کند : « میخوام همه چیز یاد بگیرم » و نباید هرگز فکر کند همه
چیز را میدانم »

تنقید حزبی

یکی از پیشوایان اجتماعی می گوید : جامعه ای میتواند رشد
کند که هیچوقت نواقص خود را مستور نگاه ندارد .
و تمام معایب کار خود را آشکار سازد و در درمان آن بکوشد
چنین جامعه مقتدر و مترقی و با دوام خواهد شد . افراد حزب با
تشکیلات باید از تنقید بجا برای رفع معایب حزب استفاده کنند ولی
در تنقید کردن دو اشتباه ممکن است رخ دهد .

۱ - تنقید بی دقت و بی ملاحظه: تنقید دائمی و مغرضانه از هر کس و هر چیز فقط برای اطفاء آتش کینه یا حسادت بدون ذکر راه اصلاح تنقیدهای که بصورت غیبت و (قر قر) در میآید و در خفا بدون اطلاع شخص یا مرجع مورد تنقید صورت میگیرد. این طریق تنقید که در حقیقت باید نام آنرا بدگوئی گذاشت بسیار غلط و خطرناک و نتیجه فرومایگی و پستی شخص بدگو است.

تنقید باید بیطرفانه مستند بدلیل و در مقابل شخص یا سازمان مورد تنقید عملی شود. باید اعتراف کرد که در اجتماع ما معنای تنقید را نفهمیده‌اند و متأسفانه صفت خطرناک بدگوئی کم و بیش در اشخاص وجود دارد. مبارزه بر علیه این نجواها و لندیدن‌های بی‌ارزش و وظیفه مقدس هر فرد با ایمانی است.

از این قبیل تنقیدهای بی‌اساس دشمن استفاده میکنند تشکیلات متلاشی میشود و حزب بیک کلوب بحث و مجادله بدل میگردد.

۲ - نوع غلط دیگر خود داری از تنقید و سکوت در مقابل نواقص و جرائم و معایب است. این عیب نیز در بسیاری وجود دارد اینها ضعیف‌النفس ترسو و محافظه کارند. بهمان اندازه که ما تنقید غلط را مضر می‌دانیم خود داری از تنقید صحیح را نیز زیانبخش می‌شماریم زیرا این نیز منتهی به متلاشی شدن حزب میگردد. هیچ فرد نباید به ملاحظه آنکه ممکن است کسی بر نبرد از ذکر حقیقت خود داری نماید.

اگر او ترس از رنجاندن دارد خوبست دست از مبارزه بکشد احدی نیز حق ندارد از تنقید بجا و بیطرفانه بر نبرد. اشخاص حکم ظرفیتی که نمی‌توانند انتقاد صحیح را تحمل کنند مایه مبارزه ندارند بهترین راه در این افراط و تفریط میانه‌روی است. یعنی انتقاد

بجا و صحیح و صریح و خونسرد و بی طرفانه . و هر فرد و هر تشکیلات
حزبی باید از انتقاد بخود و ذکر معایب و نواقص خود نهراسد و این
شجاعت اخلاقی را داشته باشد که خود پیش از همه تنقید خویش را
آشکار گرداند .

نوع کار کنان حزبی

از لحاظ وظایف ای که به عهده دارند کار کنان حزبی را می توان
بدین نحو تقسیم کرد .

۱ - نویسندگان (ژورنالیست و پوبلیسیست) - نویسندگان
کتاب و رسالات .

۲ - پروپاگانداست .

۳ - آژیتاتور (ناطق) فرق این دورا بعد از ذکر خواهیم کرد

۴ - هنرمندان حزب (سرودساز - شاعر - آهنگ ساز - هنرپیشه

و غیره)

۵ . تشکیل دهندگان و سازندگان حزب ارگانی زاتور .

همه این کار کنان چنانچه عضو حزب باشند باید کلیه عملیات
خود را با اصول و مرام حزبی تطبیق دهند . مثلاً شاعری که افکاری
منافی یا بیگانه از اصول حزبی در اشعار خود بگنجانند عضو حزب
شمرده نمیشود - هنرپیشه و نویسنده نیز به همین طریق .

این کار کنان فنی باید با اهمیت کار خود پی ببرند و در صرف
نیروی خود برای پیشرفت امور حزبی دریغ نورزند . مثلاً یک نویسنده
یا یک ناطق می تواند با یک کتاب یا یک سخنرانی صدها نفر را بطرف حزب
جلب کند . البته در انجام این خدمات شایان مضایقه کردن روانیست
نویسندگان و ژورنالیست ها باید بکوشند تا پوبلیسیست بار

آیند بوبلی سیست بکسی میگویند که با توده تماس مستقیم داشته باشد .

احتیاجات آنها را بدانند از وضعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی آنها با خبر باشد و راجع باین مطلب بنویسد .

از همه لازمتر و دشوارتر تربیت ارگانی زاتورهاست. ارگانی زاتور باید لیاقت و استعداد آنها داشته باشد که همه این قبیل اشخاص را گرد خود جمع آورد و همه از او حرف شنوی داشته باشند نه از روی کراهت بلکه از روی میل و اقتناع منطقی جمع کردن یکعده و اداره کردن آنها کار آسانی نیست . ارگانی زاتور در حقیقت بمنزله معماری است که مصالح را گرد آورده بنا را میسازد . باید او بتواند بین اشخاص الفت بدهد و در کارها هم آهنگی و توافقی ایجاد نماید . باید بتواند هر شخص را در عمل خود بکار ببرد .

کلیه افراد يك حزب لازم ملزوم یکدیگر اند و از کوچک تا بزرگ در جای خود اهمیت شایان دارند . مانند مهره کوچک که بدون آن ممکن است دستگاه عظیمی کار نکند غفلت از ارزش افراد کوچک یا تحقیر نسبت بآنها بزرگترین خبط تشکیلات تکران وارگانی زاتورهاست .

ارگانی زاتور ها اغلب مقام رهبری حزب را عهده دارند. اینجا بی تناسب نیست چند کلمه راجع بلوازم اخلاقی و روخی يك رهبر صحبت کنیم .

ما مخالف بت پرستی هستیم و معتقدیم که انسان باید آزاد و مستقل تربیت شود ولی در محیطی که ما زیست می کنیم در محیطی که ارتجاع زور عوام فریبی قوی است در محیطی که جهل و خرافات حکم فرمائی دارد ما مجبور بمبارزه و پیشرفت هستیم . البته حرف

تأثیر دارد . بنا بر این وقتی کسی مأمور میشود در میان توده نطقی ایراد نماید باید دارای مقبولیت عامه و وجهه نیکوئی پیش مردم باشد لذا ما از لحاظ حزبی وظیفه داریم در اطراف آن گوینده پروپاگاندا کنیم . چرا؟ زیرا توده بیشتر از آن شخص و آن حزب خرف شنوی دارد که از او عملی سراغ کند و در او شجاعتی و سوابق خوبی بیابد و بفهمد که این شخص برای منافع توده حاضر فداکاری است . باید اشخاص برجسته حزبی افراد فداکار و با استعداد را بر مردم شناساند و بوسیله نام و سوابق و شخصیت آنها در توده نفوذ نموده به رهبری توده موفق گردید پس در چنین اجتماعی بزرگ کردن شخص با اشخاص و استفاده از نام او برای حزب لازم است . در این مورد بر علیه حسادت باید مبارزه شدیدی بشود .

از طرف دیگر يك خطر نیز وجود دارد و آن اینکه بعضی از اشخاص ممکن است خود را گم بکنند توده را از یاد ببرند و افاده فروش و خود پسند بشوند و در صدد سوء استفاده از مقام خود بر آیند این اشخاص باید بدانند همچنانکه توده آنها را بالامی برد بزمین زدن ایشان نیز قادر است .

اشخاص مسئول باید خود را از نوکر کوچک جامعه بدانند باری ایجاد انوریته های اجتماعی بخصوص در محیط های عقب افتاده لازم است و در اجرای این عمل باید دقت و مهارت بخرج داد

مسئولین حزب چگونه اشخاصی باید باشند

البته کارکنان حزب انواع مسئولیت ها را دارند مسئول حوزه مسئول کمیون - عضو کمیته و غیره . رویهمرفته هر قدر شخص در حزب مسئولیت بیشتری داشته باشد از او توقع بیشتری دارند هر قدر

مسئولیت زیادتر و درجه فداکاری و فعالیت و از خود گذشتگی باید بالاتر باشد بدون تردید کسی که خود را عضو حزبی می داند یا در حزبی مسئول است قصد هدایت جامعه‌ای را دارد و چنین دعوی بزرگی بدون انجام فداکاری دعوی مهملی است .

روپمرفته مسئول یار هر حزب باید دارای صفات زیرین باشد
۱ - از جان گذشته - برای پیشرفت مقصد برای هدایت جامعه از جان نباید ترسید همیشه و بخصوص در مواقع خطر حتی خود را برای مرگ آماده ساخت این اولین و بزرگترین گذشت و فداکاری است . اصولاً دیده شده است در هر ملتی تا اشخاص فداکار و از جان گذشته نباشد آن ملت بجایی نخواهد رسید در این جوامع سیاه و ارتجاعی برای رسیدن بآزادی باید قربانی داد .

حتی میشود گفت تا حدودی جانبازی در راه ایمان و عقیده در نظر مردم عادی جنون محسوب میشود این جنون مقدسی که نتیجه آن نجات ملیونهاست قابل تمجید و تقدیس است .

۲ - گذشته از مال - رهبر و مسئول حزبی باید از بدل نیروی مالی خود در راه انجام مقصود دریغ ننماید - این دو صفت نه فقط خاص مسئولین بلکه وظیفه هر فردی از افراد حزب است . زیرا هر فرد استعداد پیشوائی دارد چنانکه هر پیشوائی فقط يك فرد عادی حزب است .

۳ - قوت ایمان - مسئول باید به هدف خود ایمان داشته باشد قوت ایمان را از روی کلام نباید سنجید از عمل باید قیاس گرفت زیرا بهمان اندازه که گفتن آسان : کردن دشوار است .

۴ - شکمبائی و خونسردی . مسئول و رهبر باید خونسردمتین و صبور باشد ممکن است با او حمله کنند، فاسز را بگویند، صدمه بزنند

او نباید از میدان در برود و یا نباید خشمگین شود و در آن حالت حرکات دور از رویه کند. رهبر حزب باید دارای ظرفیت باشد و بتواند عقاید متضاد را تحمل کند.

۵ - فروتنی - بزرگترین نقیصه يك رهبر حزبی کبراست . اصولاً باید دانست که هر کس بخصوص در محیط فاسد ما هر فرد دارای معایب و نواقص فراوانی است در عمل ثابت شده است که از کبر فروشی زیانهای بزرگ بر خواهد خاست رهبر حزب باید بکوچکترین فرد با دقت گوش بدهد هر چند حرفهای طرف طویل بی معنی و خسته کننده باشد باید دردها را علاج کند از بی توجهی و بی اهنائی و تحقیر جداً پرهیزد .

۶ - کاردانی - البته یکعده صفات مانند ذکاوت و حس تشخیص و قدرت قضاوت و منطق صحیح که صفات فطری و غیر کسبی است از لوازم رهبری محسوب میشود .

۷ -- آدم شناسی - آدم شناسی فن ظریفی است . رهبر و مسئول حزبی باید اشخاص را بشناسد و بکارهای مختلف مردان هایشته آن کار را بفرستد روانشناسی عملی فنی است که در اثر تجربه و حس تمیز و هوش سرشار کسب میگردد و رهبری که فاقد این فن باشد در خور این مقام نیست .

۸ - برش در کار - باید در کار خود جدی و برنده باشد بور -- کرات و محافظه کار و ترسو و مردد نباشد .

۹ - آسان گیری -- ماهیت کار را بداند و بخطررات و اشکالات آن بدرستی پی ببرد ولی مشکل گیری نکنند و نگویند که اینکار شدنی نیست یا فلان دشواریها را دارد .

۱۰ - ابتکار - این نیز يك صفت کسبی نیست . البته در اثر

آموختن و آزمودن حس ابتکار قوی میشود ولی تا شخص هوشمند نباشد مبتکر بودن او دشوار است رهبر باید بتواند فوراً تصمیم بگیرد و سریعاً راه علاج را پیدا کند .

۱۱ - کارا کتر - کارا کتر یعنی داشتن صفات عالی و رفتاری درست و محکم و بی تزلزل - اشخاص بی کارا کتر در کارها مرده هستند و در مقابل کوچکترین فشار یا تملق یا تطمیع تسلیم می شوند دوستی و دشمنی آنها دوامی ندارد . بی کارا کتر بودن منجر به اپورتونیزم و هزاران عیب دیگر می شود . رهبر حزبی باید با کارا کتر ، ارادی سخت و محکم باشد .

۱۲ - قبول سختی - مسئول یا رهبر حزب نایبستی از (کار سیاه) بگریزد مثلاً اگر روزی مأمور شد بکارخانه برود و یا دردهی مأموریت داشته باشد در صورت لزوم نباید از پیاده روی خود داری کند . روی زمین بخوابد غذای بد را بخورد و مصاحب بد را تحمل کند شرایط دشوار را بپذیرد و پیوسته خوش و مفتخر باشد که سرگرم ایفای یک وظیفه اجتماعی است .

رهبری که خود را تحمل پرست و راحت طلب و نازک نارنجی نشان بدهد اعتماد توده را از خود سلب می کند .

مسئولین و رهبران حزبی در عرض چند روز ساخته نمی شوند سالهای متمادی لازم است تا اشخاص در طوفانهای بزرگ و کوچک در سختی ها و گرسنگی ها در زندانها و تبعیدها در مقابل هر گونه مهیبیت ، تحقیر ، توهین دوام آورند و همه بلیات را با لبخند از سر بگذرانند و با اراده محکم به مشکلات غلبه کند تا در خور رهبری شوند . چنین اشخاص آسان بدست نمی آیند .

آنها را حوادث مہر فی می کند و توده می شناسد و بالا میبرد .

يك رهبر حزبی کسی است که هر وقت فکر می کند ، عمل میکند ،
تعمیم میگیرد منافع زحمت کشان را از خاطر نمیرد .

نکاتی که باید دانسته و مراعات شود

«ارزش دادن باعضاء حزب - تشویق کارمند حزبی - پیش کشیدن
افراد فعال و بااستعداد - کادر حزبی»

ارزش دادن و تشویق کردن

در جامعه ما متأسفانه اصولاً برای انسان ارزشی قائل نیستند .
باید بر علیه این روش خطر ناك و زیان بخش حزب ما مبارزه سخت
و شدیدی بکنند زیرا در جامعه چیزی از انسان گرانبهار نیست باید
کوشید تا در اجتماع اصولی بر قرار گردد که انسان از مذلت و
بیچارگی و خواری امروزی خود رهایی یابد . آزاد ، محترم ، سیر ،
سالم ، دانا بشود در اجتماعی که مانند اجتماع ما غالب افرادش در مراحل
پست زیست می کنند و بایکدیگر چون حیوانات رفتار می نمایند هرگز
خورشید سعادت طلوع نخواهد کرد

باید آزاد بود و آزادی دیگران را محترم نگاهداشت باید

خوشبختی و آسایش را برای خود و برای دیگران خواست از این لحاظ

حزب باید همیشه شخصیت افراد خود را محترم شمارد و کوچکترین
فعالیت صحیح را مورد تشویق قرار دهد خصوصاً باید عضوی را که

ارزش اخلاقی ، علمی و سیاسی دارد بزرگ کرد و تشویق نمود ،

امید وار ساخت تا بیشتر کار کند و ثمر برساند و دیگران نیز به تقلید

او کار کنند و ثمر برسانند . ولی در این جا خطر و نقصی بوجود میآید .

عده پيدا میشوند که بيهوده انتظار تشویق دارند این خطاست . فرد

حزبی برای تشویق شدن کار نمی کند وظیفه او کار اجتماعی است بدون انتظار تشویق زیرا او ایمان به مسلک و هدفی دارد و در هر حال باید موافق آن مسلک بسوی آن هدف پیش برود بی غرضی و بی نظری بزرگترین آرایش يك فرد اجتماعی است . يك مجاهد بی-

غرض و بی نظر همیشه موزد احترام و صاحب نفوذ است و بر عکس چشم دوختن به بعضی امتیازات نا چیز ارزش فداکاری شخص را از میان می برد و او را در نظرها كوچك و حقیر جلوه میدهد.

پیش کشیدن افراد فعال و با استعداد

حزب باید دقت کند و بهمه افراد مستعد و فعال میدان عمل بدهد . راه برای ترقی اجتماعی و حزبی هر مجاهد فداکاری باز باشد . باید هر کسی را که استعداد نطق، تحریر، تبلیغ یا استعداد های گوناگون

دیگر دارد جلو کشید و باو امکان رشد و فرصت عمل داد . مسئولیت حزبی یار هبری و فعالیت های مهم در دستگاہ حزب منحصر باشخص معدود نیست . حزبی زنده و محکم است که روز بروز بر عدد برجستگان آن افزوده شود و از افراد کاری و فعال بی نیاز باشد

کادر حزبی

حزب روی افراد خود میگردد - همچنانکه اجتماع بر بنیان توده وسیعی استوار است . در هر حزبی باید عده اشخاص باسواد با- ایمان با تجربه و امتحان داده وجود داشته باشد . این افراد که کادر حزبی را تشکیل می دهند باعث قوام و دوام و رشد سازمان حزبی هستند برای تهیه اینها مبارزه اجتماعی و تأسیس مدارس حزبی لازم است . اجتماع خود مدرسه ایست ولی با وجود این ایجاد کلاسهای تدریس

سیاسی برای تربیت کادر مورد نهایت احتیاج سازمان حزبی ماست

نکاتی که باید دانسته شود

«تئوری حزبی - کنترل کار - استفاده از افراد»

تئوری حزبی

کادر حزبی باید پایه علمی و تجربه کار اجتماعی داشته باشد
یعنی باید عمل و فعالیتش مبتنی بر تئوری منظم و معین گردد تئوری
مانند چراغ راهنماست زیرا در تاریکی و با چشم بسته نمیتوان از

میان بسیاری راههای پرپیچ و غلط که اجتماع پیش پای انسان می-

گذارد راه درست را یافت و پیمود. تئوری نتایج کلی تجاربی است
که در طی سالیان دراز کار در اجتماع بماسی آموزد. هر گاه مطلبی
در عمل ثابت شد این مطلب حقیقی است ولی باید دانست که حقیقت
نسبی است و از خشکی و قشری بودن باید پرهیز کرد

کنترل کار

هیچ گاه نباید خود را قانع کرد که «من وظیفه خود را انجام
دادم» من آنچه را که تکلیف و مربوط بمن بود کردم و دیگر بمن
مربوط نیست، فرد حزبی نه فقط بکار و وظیفه خود بلکه بکار و
وظایف اجتماعی و حزبی دیگران نیز باید علاقه داشته باشد. باید کار
را تعقیب کرد و آنرا همیشه کنترل نمود. باید مواظب بود تا کار به
نتیجه قطعی و مطلوب خود برسد. ظاهر سازی و ماست مالی و قناعت
کردن بیک تظاهر صفات بدو زیان بخشی است. باید در اجرای
وظیفه وجدان را در نظر داشت. کار کمی انجام دهید ولی درست و

با نتیجه و کامل انجام دهید. کارهای زیاد و ناقص شما، بحزب زیان میزنند و فعالیت شمارا بی ارزش و بی قدر می سازد. البته اگر کار شما و همه زیاد و کامل و بی نقص باشد نشانه درایت و انرژی شماست و مقام اجتماعی شما را بالا می برد

استفاده از افراد لایق

وقتی عضو حزبی مأمور کار مسئولیت داری شد و بعد در عمل ثابت کرد که لیاقت آن کار را ندارد البته نباید بکلی او را از مسئولیت برکنار ساخت (مگر در موارد مهم) ولی باید با او کار کوچکتري داد که فراخور حالش باشد. بعداً اگر خود را اصلاح کرد و ثابت نمود که میتواند خطای گذشته را جبران کند نباید راه ترقی و تکامل را بر او بست. اعضاء خود نیز باید لیاقت خود را تشخیص دهند و از قبول کاری که از عهده انجامش برنخواهند آمد خودداری ورزند. در این موارد حسادت کردن یا طمع ورزی بیجا نتیجه پستی است. همچنین باید همه افراد، افراد لایق را ستایش کنند و تحت تأثیر احساسات نا چیز خود او را بدنام نسازند و در حزب تفرقه و نفاق نیاندازند

انحراف به چپ و راست

انحراف به چپ

در حزب ممکن است از لحاظ مشی دو انحراف بوجود آید - یکی انحراف بر راست و دیگری انحراف به چپ انحراف به چپ یعنی چه؟ انحراف به چپ زمانی است که موفقیت خاص سیاسی و شرایط بین المللی را تشخیص ندهیم و سیاست غلطی را پیروی کنیم که نتیجه آزادی کشور زیان خواهد رساند

موفقیت طوری است که تادیب مهیب فاشیزم از پا در نیاید
آزادی و سعادت واقعی ملت ایران تأمین نخواهد شد. برای اینکه
فاشیزم و ارتجاع بین‌المللی شکست بخورد لازم است ایادی آن که
ارتجاع داخلی است شکست بخورد و برای اینکه ارتجاع داخلی
شکست بخورد باید تمام عناصر دموکرات و آزادیخواه را دور هم جمع
کرد و جبهه واحدی بوجود آورد و با تمام قوا در حفظ و تقویت
دموکراسی کوشید عناصری هستند که خیال میکنند فقط با یک
صنف باید کار کرد و از منافع یک صنف دفاع نمود این فکر غلط
و در شرائط کنونی نتایج کاملاً معکوس دارد. کسانی که این روش
را دنبال میکنند و دچار یک چپ روی غیر عادلانه و نسنجیده میشوند
بآزادی ایران و آزادی جهان زبان میرسانند در موقعیت کنونی ما
انحراف چپ یک بیماری خطرناک برای حزب است و باید جدأ بر علیه
آن مبارزه کرد

انحراف بر است

اما از طرفی نباید روشی را پیش گرفت که منجر به اپورتونیزم
و راحت طلبی شود و حزب از توده جدا شده بیک مجمع دسته بندی
و جاه طلبی بدل گردد. باید حزب همیشه با توده با عهد و از منافع ستم
کش ترین طبقات جدأ دفاع کند باید با اتکاء بقانون اساسی و اصول
دموکراسی حزب علمدار اصلاح طبقات زحمت کش بشود. حزب
نباید روح جهاد و مبارزه خود را از دست بدهد و دچار تنبلی و ضعف
و سستی و خوش بینی‌ها بیجا گردد. انحراف بر است بهمان اندازه
انحراف به چپ خطرناک است حزب ما باید یک حزب ملی، دموکرات
و مجاهد باشد و در هر مبارزه پیشقدم و نمونه قرار گیرد. عناصر صالح

حزبی باید با هر دو نوع انحراف شدیداً و جدأ مبارزه کنند

شعبه تشکیلات و وظائف آن

یکی از شعب بزرگ و پر مسئولیت و با اهمیت حزب شعبه تشکیلات است. این شعبه وظائف بسیار برعهده دارد که قبل از همه حفظ حساب نفقات حزب و تهیه آمارهای دقیق حزبی از روی نظم کامل است. شعبه تشکیلات موظف است بتمام افراد حزبی کارهای معینی بدهد تا هر یک در ساختمان حزبی و اجتماعی عنصر مستعد و جدی و درستی بار آیند. تقسیم وظیفه و کار خود مسئله دشوار و دقیقی است. ارجاع امور مهم باشخاص نالایق یا کارهای بی اهمیت با افراد لایق باعث اخلال نظام و انضباط حزبی خواهد شد. باید از بار کردن کار زیاد در جوع کردن نیز جدأ خود داری شود زیرا بدون شك کسی که چندین کار میکند هیچ کاری را نمیتواند درست انجام دهد شعبه تشکیلات حزب از نظر تقسیم کار باید اجرای وظیفه و عمل را نیز تحت نظارت درآورد و از پیدایش سستی و تنبلی و بی علاقهگی جدأ جلوگیری کند این شعبه باید در تقسیم حوزهها و اداره سازمانهای مختلف تشکیلاتی مراقبت فراوانی بخرج دهد و بخصوص کوشش بسیاری در حفظ انضباط داشته باشد زیرا انضباط یکی از مهمترین شرایط تکامل و پیشرفت حزب است شعبه تشکیلات باید در قبول نفقات بی نهایت دقت کند تا عناصر مخرب و جاسوس و سست عنصر و مایوس و بدسابقه و مضر بیکاره در داخل حزب راه نیابند و موقعیت حزب را بمخاطره نیاندازند حتی اگر در مواقعی جریان ورود افراد بعزب قوت یافت باید شرایط ورود را دشوار کرد تا حزب توسعه

بیجا پیدا نکنند. مسئله دیگر حفظ تعادل در بین نوع اعضاء خوب است آمارهای حزبی باید همیشه نشان بدهد که چه کسانی بیشتر وارد حزب میشوند و در میان چه کسانی جدیدت زیادتر است و در بین چه کسانی ضعف و سستی و خیانت زیادتر واقع میشود. اخذ این نتایج سودمند کمک مؤثریست برای تنظیم يك تا كنیک عملی در راه پیشرفت حزب. حزب ما از لحاظ آمار و امور استاتستیکی ضعیف است باید این نقص را جداً برطرف نمود. از روی آمار میشود همیشه عناصر کمیاب حزب را تقویت کرد مثلاً آمار شهری نشان میدهد که در آنجا نسبت عناصر روشنفکر به عناصر دیگر کم است در نتیجه حزب تمام قوت تبلیغاتی خود را برای جلب روشنفکران صرف خواهد کرد

تصفیه حزبی

هر قدر حزب در انتخابات اعضاء دقت داشته باشد باز محتاج به تصفیه میشود زیرا وقوع جریانات گوناگون اجتماعی خواص نهانی بسیاری از اعضاء ناقابل یا کسانی را که سوء نظر و سوء قصد داشته اند فاش میسازد و حزب مجبور است که هر چه زودتر این عناصر را بدور اندازد. حزب بسته به موفقیت زمانی و مکانی هر چندی یکبار تصمیم میگیرد که تشکیلات را از عناصر ناصالح پاک گرداند کمیسیون تشکیلات مأمور این کار است. طرز تصفیه این طور است که در هر حوزه افراد آن حوزه مورد بحث و انتقاد قرار میگیرند هر فرد حزبی که مورد بحث است از خود دفاع دارد و دیگری نیز میتواند از او دفاع کند سپس رای گرفته میشود و بقای او را حوزه قبول یا رد می کند. افراد حوزه های دیگر نیز میتوانند با رجوع به مقامات حزبی نسبت با افراد دیگر انتقاد و از آنها شکایت کنند. باید دقت کرد که تصفیه بر پایه اغراض شخصی نباشد و هدفی جز پاک کردن تشکیلات

از عناصر ناصالح، نداشته باشد پس از تصفیه حزب دشمنان از آن استفاده می کنند و میکوشند تا عناصر ناراضی را که اخراج شده اند بر علیه حزب بتحریکات وادارند ولی رویهمرفته حزب پس از تصفیه تمیز و قوی و صمیمی میشود در اینصورت تمام عملیات حزب وسیع تر و پرمحصولتر میگردد پس از هر تصفیه حزب معنأ بزرگ و متمرکز و جدی تر میشود حزب بدون تصفیه خواهد پوسید و دچار تنزل و بدبختی و فلاکت چاره ناپذیری خواهد شد

کنگره چگونه تشکیل میشود و وظیفه

آن چیست ؟

در مقاله های گذشته ضمن تشریح اصول تشکیلاتی از کنگره هم سخنی بمیان آمد ولی بمناسبت اینکه کنگره حزبی در آینده نزدیکی دعوت شده و این موضوع در حزب جزء مسئله روز قرار گرفته است لازم است شرح بیشتری راجع بدان داده شود :

محل تشکیل کنگره بادر نظر داشتن موفقیت روز از طرف کمیته مرکزی حزب تعیین میشود - ممکن است کنگره را در مرکز تشکیل داد و یا روی اصل وضعیت سیاسی و مالی زمان و موفقیت جغرافیائی محل دهی را برای اینکار انتخاب نمود.

نمایندگان که حق شرکت در کنگره را دارند معمولاً در کنفرانسهای محلی، ولایتی یا ایالتی انتخاب گردیده بهرگز کنگره رهسپار میشوند - اعتبارنامه نماینده کنگره از طرف کنفرانس محل صادر شده و بامضای مسئولین کنفرانس میرسد. در مورد کنفرانس های ولایتی و ایالتی نیز به همین ترتیب عمل میشود.

ممکن است اتفاق افتد که تشکیل کنفرانس ایالتی بعلل معینی

مقدور نباشد در اینصورت بنا بر تصمیم مقامات حزبی کنفرانس های محلی میتوانند جداگانه نمایندگان کنگره را انتخاب کنند. مثلا در موردیکه کنفرانس ایالتی خراسان را ممکن نباشد تشکیل داد کنفرانسهای محلی مانند سبزوار، نیشابور، قوچان و غیره تشکیل شده علیحده برای کنگره نماینده انتخاب می کنند. میتوان گفت این عمل نه تنها از دموکراسی دور نیست بلکه نزدیک تر با اصول دموکراسی میباشد. زیرا اگر نمایندگان کنگره را کنفرانسهای محلی تعیین کنند انتخابات کنگره دو درجه خواهد بود یعنی دریک مرحله افراد عادی حزب اعضاء کنفرانس محلی را انتخاب نموده و در مرحله دیگر اعضاء کنفرانس محلی نمایندگان کنگره را تعیین میکنند. در صورتیکه اگر انتخاب نمایندگان کنگره در کنفرانس های ایالتی بعمل آید چون خود اعضاء کنفرانس ایالتی قبلا باید از طرف کنفرانس محلی انتخاب شوند، انتخابات کنگره سه درجه خواهد بود و البته هر قدر عده درجات کمتر باشد انتخابات با اصول دموکراسی نزدیک تر است

در موقع تشکیل کنگره دو کمیسیون معمولا ایجاد میشود یکی کمیسیون کنگره و دیگری کمیسیون اعتبارنامه ها - کمیسیون نخستین وظیفه اش تشکیل و دایر نمودن کنگره است و برای تسریع کار و دوری از اصول بوروکراسی همین کمیسیون وظیفه کمیسیون اعتبارنامه را نیز به عهده خواهد گرفت. کار کمیسیون اعتبارنامه عبارت خواهد بود از رسیدگی کامل به پرونده های انتخابات کنگره و اعتبارنامه های نمایندگان آن - کمیسیون پس از مطالعه دقیق گزارشی برای تقدیم بکنگره تهیه میکنند و روی آن نظریه میدهد.

اگر کمیسیون ملاحظه کرد شخصی بدون رعایت اصول حزبی برای کنگره انتخاب شده و محرومیت او را از شرکت در کنگره لازم بداند این نظر خود را بکنگره گزارش خواهد داد و اتخاذ تصمیم قطعی درباره رد یا قبول نماینده مزبور بعهده خود کنگره خواهد بود

تشکیلات هر محل صورت اسامی منتخبین محل خود را هر چه زودتر به کمیسیون کنگره میفرستد و این عمل مخصوصا بدین جهت مفید است که اگر یکی از نمایندگان اعتبار نامه خود را در بین راه گم کرد باعث محرومیت او در شرکت در کنگره نشود.

بعلاوه انکت مخصوصی برای نمایندگان کنگره چاپ میشود و آنها موظفند نام و نام خانوادگی، محل انتخاب، شغل، سن و سابقه حزبی خود را در آن بنویسند

نمایندگان کنگره بمجرد ورود خود را به کمیسیون معرفی نموده اعتبارنامه خود را تحویل و در مقابل کارت مخصوصی دریافت میدارند. این کارت دارای شماره بوده و مشخصات نماینده از قبیل نام و نام خانوادگی محل انتخاب و داشتن یا نداشتن حق رای در آن ذکر میشود. قید داشتن یا نداشتن حق رای برای این بعمل میآید که ممکن است در کنفرانسها اشخاصی هم با حق مشاوره انتخاب شوند. اینها در کنگره تنها حق مذاکره دارند ولی نمیتوانند رای بدهند یا انتخاب کنند در مورد انتخاب شوندگان اعضاء کمیتهها این قیود لازم نیست و اعضاء غیر رسمی کنگره یا کسانی که حتی در کنگره شرکت ندارند میتوانند تادر کمیته مرکزی هم انتخاب شوند میتوان کسی را که در زندان بسر میبرد بشرطی که امید رهایی او را داشته باشند و یا شخصی که در مکان دوردستی است بسمت های مختلف انتخاب نمود.

کمیسیون کنگره ممکن است عده از اشخاص خارج از کنگره را بنظریه خود برای حضور در کنگره دعوت نماید (بعنوان مهمان) برای دعوت شدگان کارت مخصوص چاپ خواهد شد.

دعوت شدگان موظفند در جای معین نشسته و از حرف زدن و دخالت در کارهای کنگره خودداری نمایند و حتی اگر عضو حزب هم باشند بایستی سکوت محض را مراعات نمایند.

در موقع تشکیل کنگره باید جدیت شود که حداکثر استفاده تبلیغاتی برای پیشرفت امور حزبی از آن بعمل آید و برای تامین این منظور اقدامات مختلفی ممکن است بشود، مثلاً لازم است درب و داخل همارتی که کنگره در آن تشکیل میشود و باشعارها و عکس‌های معینی مزین و آراسته باشد. این شعارها یا شعارهای حزبی است از قبیل مبارزه بر علیه استعمار و دعوت طبقات ستمدیده بمبارزه بر علیه ارتجاع و باشعارهای روز از قبیل توجه بخاطر دیکتاتوری و غیره و همینطور عکس‌های شهدای آزادی راه و مشروطیت مانند ستار-خان، دکتر ارانی، صوراسرافیل و غیره بایستی کنگره را بیاریند، کارگران و پیشه‌وران میتوانند طبق حرفه و صنعت خود چیزی ساخته و بکنگره هدیه نمایند. در روزهای کنگره تلگراف تبریک از گوشه و کنار بکنگره مخابره میشود و تمایلات تشکیلات حزبی محلهای مختلف را مجسم مینماید.

در روزهای معین توده وسیع، جنب کنگره برای تبریک اجتماع نموده احساسات خود را ابراز میکند میتوان روزی از روزهای تشکیل کنگره دعوتی از نمایندگان مجلس، جراید و سازمانهای دیگر اجتماعی از قبیل سازمانهای کارگری و نسوان بعمل آورده پذیرائی

گرمی نمود .

نمایندگان سازمان های جوانان ، کارگران ، دهقانان و دیگر سازمان هایی که به حزب بستگی و علاقه دارند میتوانند چنین جریان کنگره چند دقیقه بعنوان شاد باش صحبت کنند
جریانات روزانه که در کنگره اتفاق میافتد همه روزه درروز -
نامه حزبی منعکس میشود و در خاتمه کنگره هم رساله مخصوصی که حاوی کلیه ملذکرات و تصمیمات کنگره است به چاپ می رسد .

کنگره چگونه تشکیل میشود و وظیفه

آن چیست ؟

برنامه کنگره

برنامه کنگره را کمیسیون کنگره قبلا تعیین و بکنگره پیشنهاد مینماید - البته کنگره در رد یا قبول برنامه و باتغییر حذف و اضافه مواد آن مختار است - مواد برنامه تابع مقتضیات روز است ولی بطور تقریب میتوان مثلا برنامه بقرار زیر پیشنهاد نمود :

۱ - گزارش راجع باوضاع سیاست خارجی و داخلی ایران و

وظایف حزب

۲ - گزارش عملیات و فعالیت های حزب

۳ - گزارش راجع بمرامنامه و نظامنامه حزب و تغییراتی که

باید بمقتضیات زمان در آن بعمل آید

۴ - گزارش فعالیت های فراکسیون حزبی در مجلس

۵ - گزارش دقیق راجع بامور مالی حزب

۶ - گذارش نمایندگان محل راجع بامور خصوصی مربوط بمحل

۷ - مسائل جاری

البته همان طوری که گفته شد این مطالب تقریبی است

افتتاح کنگره

افتتاح کنگره توسط مسن ترین عضو کنگره بعمل میآید - کنگره بنام کمیته مرکزی افتتاح میشود بعدا کنگره بنام شهدای راه آزادی و مشروطیت یک دقیقه سکوت اختیار میکنند در مرحله بعدی یک عده چند نفری برای اداره نمودن جلسات کنگره بنام هیئت رئیسه پیشنهاد و انتخاب میشوند هیئت رئیسه منشی ها را که کارشان تند نویسی است تعیین میکنند - وجود شخص منشی که جلسه را افتتاح میکنند در هیئت رئیسه حتمی نیست و چنانچه کنگره صلاح بداند ممکن است او را هم در هیئت رئیسه انتخاب کند - جلسات را اعضای هیئت رئیسه بنوبه اداره میکنند - ممکن است جلسات خصوصی بدون حضور دعوت شدگان تشکیل گردد، و شعار و عکس معمولاً عکس های متعددی از کنگره دعوت شدگان ، اجتماع توده های کنگره بر میدارند - این عکس ها برای چاپ در روزنامه و یا بعنوان یادگار برای افراد حزب مفید است در موقع افتتاح و خاتمه کنگره مناسب است سرود حزبی خوانده شود - باید کوشید ار کستر هم با سرود مترنم باشد به علاوه داخل و خارج عمارت کنگره باید با پرچم ملی مزین گردد.

طریق سخنرانی - سؤالات و ورود به مذاکرات

ابتدا سخنران نطق خود را آغاز میکند مدت سخنرانی قبلاً

از طرف کنگره تعیین میشود مثلاً ممکن است بسختران يك ساعت وقت داد بعداً دیگران در اطراف سخترانی مذاکره میکنند و بهر کدام از آنها میتوان دهیا پانزده دقیقه وقت داد و بالاخره برای آخرین صحبت هم میتوان در حدود نیم ساعت برای سختران اولی وقت قائل شد. پس از اینکه سختران حرف خودش را تمام کرد اعضاء کنگره برای روشن شدن مطلب شروع به سؤال دادن میکنند و سختران جواب هر يك از سئوالات را میدهد و بعداً دیگران اظهار نظر مینمایند و در خانمه سختران از مذاکرات نتیجه میگیرد. برای تامین منظور ممکن است دو نوع قضیه را عملی کرد: طریق اول اینکه برای هر سخترانی که مطرح میشود همین تشریفات را قائل شده بعد از خانمه دادن به موضوع به سخترانی دیگر پرداخت بنحویکه سخترانی ها کاملاً از هم مجزا بوده و داخل درهم نشود. برعکس در طریق دوم دو یا سه نفر پشت سر هم سخترانی های خود را میکنند بعداً دادن سئوالات مربوط به سخترانیها آغاز میشود (ممکن است سئوالات را برای هر سخترانی بلافاصله داد) و بالاخره دیگران در اطراف مطالب هر دو یا سه سخترانی شروع بمذاکره نموده و بعداً بنوبه وقت آخرین صحبت را بهر يك از سخترانان میدهند. پس از خانمه هر سخترانی قطعنامه مخصوص در باره مطالب آن پیشنهاد میشود. کنگره طبق نظر اعضای کنگره در قطعنامه پیشنهادی تغییراتی از اضافه یا حذف بعمل آورده و به تصویب میرساند.

مذاکره در باره مراعاتنامه

برای اینکه حسن جریان مذاکرات در باره مراعاتنامه و نظامنامه

بخوبی تامین شود کنگره میتواند کمیسیونی بنام کمیسیون مرامنامه و نظامنامه تعیین نماید - اعضاء کنگره تمام نظریاتی را که در باره اصلاح یا تغییر مرامنامه و نظامنامه داشته باشند بدین کمیسیون تقدیم میکنند - کمیسیون بنوبه خود در پیشنهادات اعضاء کنگره مطالعات لازم نموده و نظریه خود را به کنگره پیشنهاد میکند - کنگره در رد و یا قبول مواد پیشنهادی مختار است

انتخاب مسئولین حزب

پس از خاتمه سخنرانیها کنگره شروع بانتخاب کمیته مرکزی و کمیسیون تقطیش میکند کنگره عده اعضاء کمیته مرکزی و کمیسیون تقطیش را که طبق نظامنامه حداقل و اکثرش تعیین شده است مورد شور قرار داده و بتصویب میرساند و یا چنانچه کنگره بخواهد میتواند عده اعضاء کمیته یا کمیسیون را تغییر دهد .

اعضای کنگره میتوانند در اطراف کاندیدها مذاکره نمایند و بنفع یا ضرر این و آن تبلیغ مثبت و منفی کنند - مثلا يك نفر اجازه خواسته و اشخاصی را که بنظر خودش برای عضویت کمیته مرکزی شایسته اند پیشنهاد میکنند و محسنات آنها را بیان مینماید و یا آنکه دیگری بلند شده و برعکس او صحبت میکنند .

بطور کلی این مذاکرات باید در محیط کاملاً صمیمانه بعمل آید و پس از اتمام مذاکرات با رای مخفی شروع به انتخابات میکنند نتیجه انتخابات کمیته مرکزی باید بلا فاصله اعلان شود و پس از آن به انتخاب کمیسیون تقطیش شروع گردد زیرا اگر شخصی در کمیته مرکزی عضویت داشت دیگر نمیتواند در کمیسیون تقطیش هم انتخاب شود و بنابراین خواندن اسامی انتخاب شدگان کمیته مرکزی قبل از

شروع به انتخاب کمیسیون تفتیش حتمی است
بعد از آنکه کمیسیون تفتیش نیز انتخاب شد یکی دو نفر از
مسئولین حزب آخرین شاد باش را گفته و به جلسات کنگره خاتمه
می دهند .

مطالب دیگر را جمع بکنگره

از اختیارات کنگره یکی اینست که اگر کسی از حزب اخراج
شده و هیچیک از مقامات حزبی با ورود مجدد او بحزب موافقت ننموده
باشد می تواند بکنگره رجوع نماید و کنگره پس از رسیدگی
رای خود را در رد یا قبول او میدهد .

در حین خاتمه جلسات مناسب است کنگره خطابی بملت ایران
مطابق مقتضیات و احتیاجات وقت تهیه نموده و منتشر کند - دیگر اینکه
معمول است در کنگره نمونه های اشعار شعرای آزادیخواه را میخوانند
و چنانچه از این شعرا کسانی حاضر باشند میتوانند اشعار خود را
قراوت کنند .

پس از خاتمه کنگره اعضای آن بلا فاصله بمحل خود مراجعت
نموده و نتیجه مذاکرات و تصمیمات کنگره را با اطلاع اعضای حزب
میرسانند لازم است تمام افراد حزب و حتی توده های عظیم از تصمیمات
کنگره با خبر باشند .

یک کنگره خوب با تصمیمات مناسب و مقتضی خود پایه های
حزب را محکمتر و آنرا برای توسعه بعدی آماده تر میکند - اما
برای آنکه از یک کنگره خوب نتیجه قطعی در رسیدن به هدف گرفته
شود لازم است تمام تصمیمات کنگره بمرحله عمل در آید .

توضیحاتی در باره سازمان و وظایف کمیته

مرکزی و موسسات حزبی وابسته بدان

تعیین کمیته مرکزی حزب در کنگره بعمل میآید و مخصوصاً در انتخاب آن نکات زیر باید کاملاً رعایت شود :

- ۱- اعضاء کمیته مرکزی که اداره کنندگان امور حزبی و سیاسی هستند باید از بین برجستهترین افراد حزب انتخاب شوند .
- ۲ - انتخابات باید طوری بعمل آید که اقلاً از هر ولایت یا ایالت مهم یک نفر در کمیته مرکزی عضویت داشته باشد .
- ۳ - کمیته مرکزی باید مظهر واقعی تمام افراد و دستجات حزب باشد - کارگران ، دهقانان ، روشنفکران و همچنین هر يك از ولایات باید در کمیته نماینده داشته باشند کمیته مرکزی باید انعکاس حقیقی از جمیع طبقات تشکیل دهنده حزب باشد .

پاره نهم کمیته مرکزی

اعضاء کمیته مرکزی بر دو دسته اند - دسته اول آنها می هستند که در مرکز اقامت داشته و میتوانند بفاصله بیست روز یا یک ماه بسته بمقتضیات روز جلسه عادی کمیته مرکزی را تشکیل دهند . دسته دوم کسانی هستند که از ولایات انتخاب گردیده و در همان محل خود مشغول فعالیت حزبی هستند و البته بواسطه دوری مسافت توانایی شرکت در جلسات عادی کمیته مرکزی را ندارند برای اینکه ارتباط محکمی بین مرکز و سازمان های حزبی ولایات برقرار باشد بفاصله سه ماه یا کمتر و بیشتر دسته اخیر را هم برای شرکت در جلسه مخصوص کمیته مرکزی دعوت میکنند .

جلسه مزبور را که تمام اعضای کمیته مرکزی از مرکز و ولایات در آن حضور دارند ، پله نوم کمیته مرکزی ، مینامند در پله نوم مسائل بسیار مهم حزبی و سیاسی مطرح شده و روی آن تصمیم گرفته میشود این تصمیمات برای تمام سازمانهای حزبی مرکز و ولایات حائز اهمیت خواهد بود .

جلسات عادی کمیته مرکزی

همانطوریکه گفته شد اکثریت اعضاء کمیته مرکزی که در مرکزی حضور دارند بفاصله یکماه یا بیست روز تشکیل جلسه داده و مسائل نسبتاً مهم سیاسی و حزبی را مطرح و حل خواهند کرد . این مسائل عبارتند از تعیین خط مشی سیاسی حزب نسبت بدولت ، رویه فراکسیون حزبی در مجلس ، روش سیاست اقتصادی حزب و یا مسائل مهم دیگر . رسیدگی و اخذ تصمیم راجع بامور جزئی و غیر مهم با شعبات مخصوصی خواهد بود و کمیته مرکزی لازم نیست وقت خود را صرف اداره این گونه کارها بنماید .

دائرة سیاسی (بوروپلیتیک) کمیته مرکزی

نظر باینکه هر روزه مسائل سیاسی مهم وجدیدی برای حزب پیش آمده و تعیین فوری روش حزب را ایجاب میکنند و از طرفی کمیته مرکزی هر روز نمیتواند برای حل این مسائل تشکیل جلسه دهد لذا لازم است عده معینی از طرف کمیته مرکزی رتق و فتق این امور را بعهده گیرد .- برای تأمین این منظور کمیته مرکزی يك هیئت ۵ یا ۷ نفری را بنام بوروپلیتیک انتخاب میکنند . اعضاء این هیئت مهمترین افراد کمیته مرکزی خواهند بود و نقش هیئت رئیسه

را بعهده خواهند داشت .
جلسه هیئت مزبور ممکن است هر روز یا هفته ای سه بار تشکیل
گردد و مسائل عمده یومیه را که حزب با آن سروکار پیدا می کند
حل و فصل نماید .

سکر تاریات

يك عده سه نفری بنام (سکر تاریات) از بین اعضای بوروی
سیاسی انتخاب میشوند - این عده بایستی حتماً از اعضاء هیئت مزبور
بوده و در ضمن برجسته ترین و با نفوذترین افراد آن باشند - این سه
نفر بتمام امور جاری حزبی رسیدگی خواهند کرد و امضاء آنها امضای
رسمی حزب خواهد بود - اینها در حقیقت مسئولین حزب شمرده می
شوند عده مزبور برای انجام وظایف و مسئولیت های خود ممکن
است چنین مقرر دارند که بنوبه در حزب کشیک داده و بتمام امور
حزبی از قبیل کارهای مربوط بولایات ، روزنامه ، تشکیلات مرکز
اتحادیه ها ، فراکسیون حزبی در مجلس و امور دیگر رسیدگی نمایند
سکر تاریات ممکن است برای رسیدگی بکارها هفته بکروز
دسته جمعی تشکیل جلسه دهد .

مرکزیت در سکر تاریات

سکر تاریات مظهر مرکزیت در حزب است ، تمام امور باید
در سکر تاریات متمرکز باشد .
تمام موسسات و تشکیلات حزبی بایستی مطیع سکر تاریات
باشند تا انضباط حزبی بمعنی واقعی برقرار شود . نظم و دیسیپلین
لازمه استحکام و نیرومندی حزب است . تا مرکزیت و انضباط در

حزب برقرار نگردد محال است حزب بتواند بموفقیتهای بزرگ نائل شود.

درسکر تاریات يك عده از افراد فعال و مهم حزب برای کمک جلب خواهند شد تا تمام کارهای حزبی کاملاً متمرکز گردیده و تقسیم کار بنحو صحیح بعمل آید.

دستگاه حزبی

بطور کلی سکر تاریات که هیئت مسئولین حزبی بشمار می- رود موظف است دستگاه حزبی فعال و کاردان را که روی اصل مرکزیت و تقسیم کار استوار باشد بوجود آورد. تقسیم کار اساس نظم و ترتیب حزب است، تشکیلات باید طوری باشد که هر کس، عهده دار کار بخصوصی باشد نه اینکه هر کس بهمه کس کار رجوع کند. در خود حزب باید ترتیبی باشد که تازه واردین را راهنمایی نموده بدانها نشان دهند برای کار مخصوص خود بکدام شعبه رجوع نمایند. اگر بدین نحو عمل شود و تقسیم کار صحیح و منظم، مقرر گردد نتیجه و بازده کار بسیار رضایت بخش خواهد بود.

مثلاً میتوان يك شعبه تبلیغات و یا تشکیلات مرکب از سه نفر اشخاص برجسته و لابق انتخاب کرد و یا يك عده را مأمور ثبت اسامی بیکارها نمود مسلم است که تمام این شعبات مختلف باید زیر نظر سکر تاریات و تحت نظم و ترتیب معین اداره شود.

عوامل ابز کتیف و سو بژ کتیف

برای آنکه يك نهضت آزادی و يك جنبش ترقی خواهانه بوقوع پیوندد، ظاهر شود و رشد حاصل نموده تکامل یابد و در نتیجه بفتح

و پیروزی منجر گردد شرایط و عوامل چندی لازم است که اساسی ترین آنها عوامل یا فاکتورهای اوبژکتیف و سوبژکتیف است که بعوامل عینی یا موضوعی و شخصی اصطلاح شده است.

عوامل عینی عبارت از عواملی است که مربوط بوضع محیط و اجتماع میباشد که خود شرایط گوناگونی در بردارد از قبیل شرایط اقتصادی سیاسی - اجتماعی - مالی - و غیره این شرایط وابسته باراده اشخاص نیست و قبل از آنکه ما در باره آن ها اراده کنیم در خارج وجود دارد این عوامل در نهضتها و جنبش ها در مبارزات سیاسی و اجتماعی تاثیرات اصولی و عمیق دارد و اساسا میتوان گفت که چگونگی هر نهضتی زائیده چگونگی محیط آن است و بنا بر این عوامل موجوده در محیط کاملا درترکیب و شکل ساختمان آن موثر میباشد

پس اگر بخواهیم بدانیم که محیط آبتن چه نهضتی است و چه نهضتی را میتواند بپذیرد و آنرا پیروراند قبلا باید محیط را بخوبی مطالعه کنیم و از اوضاع و احوال آن بخوبی اطلاع داشته باشیم. باید بدانیم که جامعه از نظر تاریخی کدامیک از مراحل را می پیماید و در کدام پله از نردبان تکامل قرار دارد باید از وضع اقتصادی اجتماعی - مالی - فرهنگی آن بخوبی مطلع باشیم نه تنها کلا در احوال یک محیط باید تدقیق و تحقیق بعمل آورد بلکه اوضاع و احوال هر ناحیه و هر قسمت آن را باید بخوبی شناخت و در محاسبه منظور کرد همچنین لازم است موقعیت خارجی آن محیط را در نظر گرفت باید دید محیط خارجی و اتمسفر سیاست بین المللی و روابط همسایگان در طول تاریخ و زمان حال چه تاثیراتی

در آن محیط کرده و میکنند و درجه نفوذ آن تاچه حد بوده و میباشد . برای ظهور يك نهضت و ایجاد يك جنبش اجتماعی این شرایط باید بمرحله معینی رسیده و حالت خاصی داشته یعنی بمرحله ای رسیده باشد که نهضت را بزایدو آنرا پیروراند اگر چه اجتماع هرگز خالی از نهضت و جنبش نیست ولی منظور مانهضتهائی است که اساس و شکل جامعه را دگر گونی میبخشد و ماهیت آنرا بکلی عوض می کند و آنرا بایک جهش از وضعی بوضع دیگر درمی آورد .

شرایط سواژ آتیف

برای آنکه يك نهضت بموقع رانیده شود و خوب رشد کرده تکامل یا بد باید عوامل شخصی نیز مستعد و قوی باشد مقصود از عوامل شخصی عبارتست از تشکیلات و شخصیت های حزبی اراده این تشکیلات و شخصیت ها و فداکاریها و نقشه های آنهاست که میتواند نهضتی را رشد و نمو بدهد .

اینجا حزب آگاه میخواهد حزبی که بتواند پس از شناسائی محیط و تشخیص درجه تکامل آن ظرفیت محیط را هم تشخیص بدهد احتیاجات محیط را درک کند و مطابق آن نقشه بکشد و بموقع شعار داده اجرا بکند بدانند چگونه باید قدم برداشت و فاصله قدمها چقدر باید باشد ، بدانند چگونه باید توده ها را بیدار کرد و آنها را متشکل ساخته و رهبری نمود و بالاخره آنها را فاتح گردانید خلاصه استفاده از موقعیت و وضع خارجی بسته بنفوذ و قدرت حزب است که خود باید خصوصیات را دارا باشد ، بانجربه و باهدف باشد ، تئوری خود را باعمل و با محیط خوب تطبیق رهد و باصول و طرق

مبارزه آشنا باشد، از تجربیات احزاب آزادیخواه ممالک دیگر استفاده کند، وحدت و همکاری داشته باشد دیسپلین و انضباط در آن حکومت کند باوجود موقعیت خارجی سازمانی باین کیفیات باید وجود پیدا کند تا نهضتی پیروز مندانه پیش برود. و مبارزه از روی يك خط مشی صحیح جریان یابد

در صورت نبودن چنین تشکیلاتی ارتجاع و عکس العملهای ضد نهضت فوراً استفاده خواهد کرد و نطفه آزادی خواهی را در چنین خفه خواهد نمود و اگر رشدی هم حاصل شده باشد جلو جریان را خواهد گرفت

بزرگترین وظیفه يك حزب نحوه اجرای منویات آن حزب است هر چند جمعیتی آرمانش صحیح و تئوریهایش درست باشد و برنامه کاملی طرح نموده باشد نباید انتظار داشت که توده ها دفعتاً از وضع ایدئولوژی با خواب آلودگی سابق بیرون آیند و دور آن حلقه بزنند، حزب باید آرمان و تئوری را طوری بموقع اجرا بگذارد که آنها بتدریج بیدار گشته متشکل شوند و بمبارزات خوب بگیرند باید تزریق مواد اصولی باتبلیغات طوری آمیخته وهم آهنگ باشد که کم کم توده آنچنان که لازمست بار آید در توده ها بایجاد زندگی آنها شروع کرد و جلورفت در قدمهای نخستین از تئوریهها و اصول عقاید زیر گوششان خواندن ثمری نمی بخشد باید از زندگی ساده و بی تکلف آنها استخراج کرد و بخوردشان داد تا بمذاقشان بنشیند باید از احتیاجات روزشان شروع کرد، و بالا آمداگر این موارد مراعات گردد اگر این شرایط جمع شود یعنی در محیطی هم شرایط عینی وجودش مستعد قبول نهضت باشد و هم حزب خوب و باشخصیت تشکیل

گردد پیروزی برای نهضت‌های آزادیخواهانه حتی است و توده‌ها بدون هیچ تردیدی موانع خواهند شد. مخصوصاً اگر شق دوم بطور کامل وجود پیدا کند فتح توده‌ها نزدیکتر خواهد شد و تکامل سریعتر انجام خواهد گرفت میزان فعالیت و کار و کوشش يك حزب مخصوصاً اگر صحیح و دقیق انجام گیرد در حصول پیروزی تاثیر بسزایی دارد نه تنها پیروزی را دامنه دار و عمیق ببار می‌آورد بلکه از لحاظ زمان هم در مدت نسبتاً کوتاهی انجام خواهد گرفت

دو کشور اروپایی

برای روشن شدن مطلب بالادو کشور اروپایی (آلمان و شوروی) را از لحاظ ظهور و تکامل و پیروزی نهضت آزادیخواهانه مورد مثال قرار میدهم: اولی در طول تقریباً دو بیست سال توده‌ها را بیدار کرد، مبارزه نمود و به پیروزی نائل آمد اما نتوانست این پیروزی و فتح را طوری نافذ موثر و وسیع دامنه دار ببار آورد که بعقب کشیده نشود و تزلزل نیابد. ناچار مواجه باشکست گردید و از هم‌پاشیده شد هنوز هم که چهار تا پنج نسل در دنبال آن جریان زحمت می‌کشند بموفقیت غائی نرسیده و نتوانستند ارتجاع سیاه و بیرحم را از خانه خود بیرون کنند و جامعه خود را از لوٹ وجود منحوسش بزدایند. بخصوص که در این جنگ تا اندازه ای نهضتها نضج گرفته اند و توده‌ها قدرت و نفوذ خود را دوباره کسب کرده اند و امید است که اگر از تجارب گذشته عبرت بگیرند و موقعیت زمانی و مکانی را خوب تشخیص دهند به پیروزی نهایی نائل آیند.

در کشور دوم در عرض ۴۸ سال نهضت ایجاد شد، رشد کرد و آخرین ضربت را طوری بردستگاه ارتجاعی وارد آورد که دیگر

اثری از آن بر جای نماند در اینجا آنچه اثر خود را خوب و بدوقع بخشیده و جرد يك حزب نیرومند و صحیح بود که نه تنها جریان را از هزار گونه انحراف مسامحه باز میداشت بلکه بطور صحیح و منطقی پیش میبرد با این خواص نه تنها در واژگون کردن بناهای ظلم و استبداد و الغاء رژیم استثمار پیرومند شد بلکه در سازمان جدید و طرح نوعلا موفقیتهای شایان و عظیمی بدست آورد و در این جنگ، نیز همانطور که ثابت گردید نه تنها در برابر شدیدترین ضربات ازپای در نیامد بلکه نیرومندتر و آهنین تر گردید.

علت عمده این اختلاف، این شکست و پیروزی، همان اختلاف فاکتور سوژ کتیف است که در دومی بانفوذ عالی و صحیح بود ولی اولی آن قدرت و خواص لازم کافی را نداشت. یعنی هرگز در کشور نخستین يك حزب متشکل و نیرومند با تکیه به ملیون ها توده بمعنی واقعی کلمه بوجود نیامد.

وضع کشور اول تقریباً با مملکت مادر موقع انقلاب مشروطیت قابل قیاس است هرچند عوامل مختلف محیط ما با آن در بسیاری از جهات تفاوتی اساسی دارد

فرهنگ، سیاست، اقتصاد کیفیات اجتماعی و تاریخی ما با همین عوامل در کشور اول فرق میکنند ولی از نظر فاکتور سوژ-کتیف یعنی وجود نداشتن يك حزب رهبر و بینا با یکدیگر شباهت دارند. در انقلاب مشروطیت نبودن يك حزب قوی و متشکل متکی بتوده باعث شد که انقلابی نارس انقلابی که نتوانست وظیفه اساسی خود را آنطور که لازم بود انجام دهد بوجود آمد و بلافاصله

چون سطحی و غیر عمیق بود مورد سوء استفاده ارتجاع قرار گرفت و بیک دیکتاتوری خشن و من در آوردی قلب ماهیت پیدا کرد . در کشور آلمان نیز شبیه این وضعیت بوجود آمد و باعث پیداشدن حکومت فاشیسم گردید .

با این شواهد واضح میشود که اگر در محیطی عوامل خارجی بعد کافی وجود داشته باشد اما یک حزب نیرومند و فداکار بوجود نیاید جریان های آزادی خواهانه هنوز بمصوب پیروزی نرسیده باشد های ارتجاعی مواجه خواهند شد و از حرکت باز خواهند ماند .

البته این عدم موفقیت علل بسیاری دارد که اهم آن عدم وجود یک حزب متمرکز و آشنا بجریان های دنیا، همچنین نداشتن رهبران واقف بامور و عدم آشنائی و اتکاء آنها بیک سیاست منطقی و صحیح میباشد . ولی در کشور شوروی گذشته از شرایط متعدد وجود یک حزب آزادی خواه مقتدر و آشنا بجریانهای جهانی با سازمان متین و استوار و داشتن رهبران زیرک و هوشیار که پیرو منطق جدید و صحیحی بودند و ملیون ها افراد را رهبری میکردند عده ای از افراد یک نسل واحد توانستند چهار دوره تکاملی اجتماع را که عبارت از دورتهای - زمینه - دوره تحولات بزرگ اجتماعی و اقتصادی و دوره شرکت در دومین جنگ بزرگ امپریالیستی و حصول موفقیت کامل می باشد طی کند .

این است نتیجه بارزی که نشان داد در یک کشور چهار نسل

طی مبارزه های متوالی موفقیتی حاصل نکرده عده ای از افراد يك نسل چهار دوره تکامل را در مدت کوتاهی پیمود!

چه سنخ حزبی در ایران لازم است ؟

هر حزبی بر حسب عوامل خارجی و داخلی خود، دوروش دو خط مشی، دوسبک مختلف و متفاوت ممکن است در پیش گیرد.

حزب ممکن است با پیش گرفتن رویه سهل انکاری نسبت بمبارزه بر علیه ارتجاع به محافظه کاری، سستی و سازش تمایل پیدا کند. چنین حزبی در عمل اثر حقیقی خود را از دست داده و مبدل بدستگاه بی اراده و بی پرنسیپی خواهد گشت که هر دم ممکن است به صفوف مخالف و ارتجاعی به پیوندد.

چنین حزبی از مبارزه بیم دارد و میکوشد از سختی آن فرار کند و بدین ترتیب جبراً در هنگام خطر و فشار تن بارتجاع میدهد و با انواع و اقسام گذشته ها سنگر های مبارزه را تخلیه میکند و به صفوف مرتجعین می سپارد.

چنین حزبی طبعاً نمی تواند در تئوری روی پایه های اساسی علمی و فلسفی صحیح استوار گردد و انحراف در عمل جبراً ویرا به انحراف در تئوری میکشاند. تحولات اقتصادی و سیاسی جهان را در نظر نمیگیرد و آنها را موقعیت کشور خود تطبیق نمیدهد و بهیچوجه در پی آن نیست که حد اکثر استفاده را از اوضاع مساعد

بین‌المللی و نهضت آزادی بنماید . این گونه احزاب در کشور های عقب مانده که سیاست استعماری در آن نفوذ دارد با این رویه سست و کاهلانه خود طبعاً به پیروی از این سیاست شوم‌تن در می‌دهند و یا بنحو دیگر مبدل به آلت بی اراده ای در دستهای پلید امپریالیسم می‌گردد .

چنین حزبی در نتیجه تبعیت از رویه ابن الوقتی و اوپور تونسیم و پیش نگرفتن سیاست استوار مبارزه با ارتجاع ، بهیچوجه موفق به جلب اعتماد توده های وسیع نمی گردد و نمی تواند در آنها نفوذ پیدا کند و مبدل بیک نهضت عظیم توده ای گردد و از این رو تشکیلات آن تا آخر بحال دسته ای کوچک و بی اهمیت باقی می ماند .

یک نوع دیگر حزبی است که بر عکس اولی روی اصل مبارزه آشتی نا پذیر بر علیه ارتجاع بنیاد گیرد چنین حزبی بی باکانه بر علیه تمام مظاهر فساد ، تنزل اخلاقی و اجتماعی ، رشوه و دروغ نبرد میکند و هیچگاه از توجه بدین حقیقت که موجودین اصلی فساد همان هیئت حاکمه و دشمنان خلق هستند غفلت ندارد .

هدف او که احیای ملت و برافراشتن پرچم عدالت اجتماعی است و مانند چراغ در خشنای هموار پیش چشمش فروزانست و بدین حقیقت ایمان دارد که برای این منظور لازم است توده های عظیم در مبارزه شرکت داشته باشد و با تمام قوا در این راه فدا کاری نمایند .

از این رو همواره میکوشد که مصداق یک حزب واقعی باشد و توده های وسیع نفوذ کند - از رویه سیاسی و اقتصادی پیروی

نماید - جریانات بین المللی را خوب بشناسد و حداکثر استفاده را از عوامل مساعد بر گیرد .

چنین حزبی هیچگاه از جریانات مترقی جهان عقب نمانده و سعی میکند باصول تجربی و عملی کهنه و پوسیده پشت پازند و خود را در جریان سیر جبری تکاملی قرار دهد .

در تئوری هیچوقت به سکون و تعصب غلط روی يك اصل کهنه که دیگر با شئون اجتماعی جدید سازگار نیست پابند نمی باشد و همیشه سعی دارد روی تجربیات تاریخی و روزمره به تئوری خود وجهه نو و تکامل یافته تری بدهد . تنها چنین حزبی می تواند در موقعیت کنونی جهان بی باکانه بر علیه سیاست شوم استعمار مبارزه کند و موفق به تحکیم آزادی و استقلال کشور خود گردد - می تواند نیرو و قدرت توده های وسیع را تشخیص دهد و در مبارزات عملی به آنها تکیه کند .

ار تباط و هم بستگی خود را دائما با توده ملت حفظ کرده و توسعه و تقویت دهد

از منافع و حقوق حیاتی آنها دفاع نماید و در تمام مراحل آنها را پشتیبان و تکیه گاه خود بداند .

حزب توده ایران حزبی است از شق ثانوی، حزبی است متکی بتوده های عظیم زحمتکش و ستمدیده ایران و بهمین جهت است که بانهایت بی باکی بر علیه سیاست شوم ارتجاع داخلی و استعمار مبارزه میکنند . حزب توده ایران دشمن جدی و قطعی ارتجاع ، عقب ماندگی و بردگی است و با هر گونه مانعی که در سر راه آزادی و استقلال حقیقی کشور پیدا شود مبارزه میکند هدف و منظور حقیقی حزب

توده ایجاد يك ایران نوین سعادت‌مند است و برای رسیدن باین هدف طرفدار جدی اصلاحات اساسی ، اقتصادی ، سیاسی ، اخلاقی ، فرهنگی و بهداشتی است

انجام این مقاصد مستلزم شکست و اضمحلال کامل صفوف مرتجعین است که میکوشند توده های زحمتکش ایران را در شرایط کنونی ثابت نگاهدارند تا موقعیت و منافع وسیع خود را از دست ندهند .

بهمین جهت است که دشمنان و مخالفین از حزب توده وحشت دارند و با تمام قوا مبارزه آن بر خاسته اند و دوستان و میهن پرستان حقیقی به موفقیت های بر افتخارش مباحثات می نمایند و سعادت ایران را در پیروزی این حزب میدانند

تبلیغات در تسخیر ناپذیری است

انواع تبلیغات

زبان ما از لحاظ اصطلاحات جدید علمی و سیاسی بسیار ضعیف است باین جهت برای درك صحیح پاره ای مسائل باید از اصلاحات خارجی که تقریباً جنبه بین المللی پیدا کرده است ، استفاده شود .

در زبانهای خارجی برای تبلیغات دو اصلاحات معمول است :
آژیتاسیون و پروپاگاندا

« آژیتاسیون » با پروپاگاندا فرق اساسی دارد . اولی یعنی بیان يك ایده ، يك فکر برای جمعیت کثیر - دومی یعنی بیان مطالب متعدد برای عده قلیل

برای اینکه ایند واصطلاح بهتر روشن شود مثال میزنیم :

وقتی که شما برای جمعیتی صحبت میکنید مثلا در برابر ده هزار نفر سخن رانی مینمائید معمولا در باره يك موضوع بخصوص صحبت میکنید (جنگ جهانی و وظائف ما) (بحران اقتصادی و موقعیت ما) ، (آبیاری در ایران) (مسئله بیکاری و طرز مبارزه با آن)

این طرز تبلیغات معروف است به « آژیتاسیون » و عامل آنرا « آژیتاتور » گویند
حال فرض کنیم که شما دوسه نفر را جلب کرده و با آنها بمذاکره بپردازید .

در اینگونه مذاکرات ممکن است راجع به چندین موضوع مختلف صحبت شود زیرا برای روشن شدن موضوع چه بسا ممکن است که چند موضوع مختلف مطرح و مورد بحث واقع گردد . این طرز کار را پروپاگاندا و عامل آن را « پروپاگانديست » نامند .
در سخنرانی های رسمی ، میتینگها یا پشت رادیو نمی توان موضوعات مختلفی را مخلوط کرده و دربارهمه آنها صحبت نمود .

روش های دو گانه فوق الذکر را اجتماعات و احزاب معمول داشته اند و بطور کلی می توان گفت که ایندو نوع جنبه رسوم و عادات (ترادیسین) را پیدا کرده است .

بین « آژیتاسیون » و « پروپاگاندا » يك فرق دیگر نیز دیده میشود و آن اینست که در « پروپاگاندا » در نتیجه جر و بحث و گفت و شنود موضوع روشن کاملا فهمیده میشود و در صورتیکه در آژیتاسیون اینطور نیست ممکن است از میان شنوندگان برخی ها

موضوع مورد بحث را بفهمند و بعضی ها نفهمند زیرا میزان فهم جماعات وعده های زیاد رانمی توان کنترل نموده .
 در هر حال يك موضوع اساسی را باید هیچگاه از نظر دور نداشت و آن اینستکه پیش از هر چیز ما ابتدا از توده درس می آموزیم و بعداً نتیجه اطلاعات خود را بآنها تحویل میدهیم .
 از ساده ترین عضو و سرباز حزبی گرفته تا افراد مسئولیت دار و بزرگ حزب باید احترام کامل توده را حفظ نمایند و در همه حال درس فرا گرفتن از توده را حتمی و لازم شمرده و هیچگاه به معلومات خود غرّه نشوند .
 این اصل را در موقع تبلیغات و کار هرگز نباید از نظر دور داشت .

برای رسیدن به هدف باید توده را جلب و متشکل نمود و آنها را برای تحصیل آزادی حقیقی زیر لوای واحدی گرد آورد برای این منظور باید دست به تبلیغات وسیع و دامنه داری بین توده زد . بدیهی است که منظور از این اقدام فریب دادن آنان نیست منظور اینست که آنها را بحقایق اوضاع کاملاً آشنا نمود و ذهن آنها را برای درك اوضاع آماده و روشن ساخت

برای اینکه تبلیغات به نتیجه برسد باید از روی متود و اسلوب صحیحی صورت گیرد اصول تبلیغات بر اثر تحولات اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی دچار تغییرات بزرگی شده و وسعت و دامنه زیادی پیدا کرده است باین جهت در رویه و اسلوبی که برای تبلیغات درپیش گرفته میشود باید این تحولات بزرگ در نظر گرفته شود .
 بعد از جنگ بزرگ گذشته تغییرات بزرگی در اوضاع

جهان پدید آمد . دنیا عوض شد و اصول و رژیم پوسیده و کهنه امپریالیسم در بعضی از کشورها از هم پاشیده گشت در برخی ممالک انقلاباتی رویداد و این انقلابات تغییرات اساسی در سازمان سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آن کشورها ایجاد کرد

بزرگترین تحولی که در دنیا رویداد و پایه امپریالیسم را دچار تزلزل ساخت شرقیها را از خواب عمیق غفلت بیدار نمود و توده های وسیع زحمتکش اروپا و امریکا را بحقوق خود آشنا کرد انقلاب کبیر سوسیالیستی او کتوبر بود . تغییرات و تحولاتی که این رستاخیز عظیم رنجبران بوجود آورد در هیچیک از اعصار و انقلابات بزرگ تاریخی دیده نمی شود .

انقلاب کبیر فرانسه از لحاظ ترقیاتی که نصیب جامعه بشری نمود و از لحاظ تاثیراتی که در افکار عمومی آن عصر و امر قانون گذاری ، آزادی و تمدن و فرهنگ داشت

البته یک رستاخیز بزرگ شمرده میشود . در پرتو این انقلاب اصول تبلیغات، قویتر و وسیعتر شد و بطور کلی سبک تبلیغات قلمی و زبانی تغییر یافت یکرشته و سائل جدیدی در جامعه پدیدار شد و کم کم بتمام دنیا سرایت کرد . مثلا تشکیلات بیسابقه جدیدی بوجود آمده و روز بروز رو بتوسعه گذاشت ، احزاب مختلف تشکیل یافت و کلوبهای متعدد سیاسی بوجود آمد ...

با تمام این احوال تحولات و تغییرات حاصله از انقلاب کبیر فرانسه نسبت به تحولات حاصله از انقلاب او کتوبر بسیار ضعیف است . انقلاب او کتوبر بمراتب عظیم تر نتایج آن بمراتب بزرگتر درخشان تر بود .

زیرا انقلاب او کتوبر در دوره ای بوجود آمد که اختلالات

سیاست ها و رقابت های امپریالیستی بمنتهی درجه رسیده و زمینه را برای انقلاب مساعد ساخته بود. انقلاب او کتوبر در موقعی صورت گرفت که دوره جنگ های امپریالیستی و انقلابات شمرده میشد. در این دوره علوم، اقتصادیات و تکنیک (وسائل فنی) بمراتب و بطور غیر قابل مقایسه ای نسبت به دوره انقلاب کبیر فرانسه کاملتر و مترقی تر شده بود. اجتماعات توسعه و رشد پیدا کرده و مبارزات سیاسی دامنه بسیار عظیم و وسیعی یافته بود.

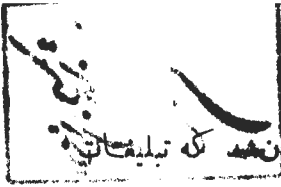
پیش از انقلاب او کتوبر چندین انقلاب بزرگ دیگر بوجود آمده و در این انقلابات توده های زحمتکش بموفقیت هائی رسید. و قدرت خود را نشان داده و به نیروی عظیم توده ای خود پی برده بودند.

کومون پاریس (۱۸ مارس ۱۸۷۱)، انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه و همچنین انقلابات بورژوازی آلمان و برخی کشورهای اروپائی پیش از انقلاب او کتوبر صورت گرفته بود و باین جهت انقلاب او کتوبر در شرایط کاملتری صورت گرفت.

انقلاب او کتوبر از حیث تکنیک و وسائل کار، تشکیلات سیاسی کاملتر بود در این دوره اجتماعات و نوع پروری و افکار عالیه بشری بمراتب جلوتر رفته و تکمیل شده بود.

بطور قطع این انقلاب ضربت شدیدی بر اصول کهنه پرستی و ارتجاع وارد آورد و راه را برای پیشرفت و موفقیت توده های عظیم و وسیع زحمت کش صاف و هموار ساخت.

بزرگترین تغییریکه انقلاب اکتبر در نوع و طرز تبلیغات بوجود آورد این است که به تبلیغات جنبه توده داد و آنرا روی اصل



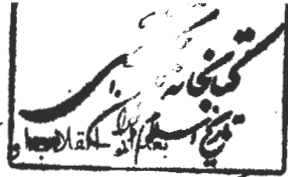
توده ای استوار ساخت این تغییر بزرگ موجب آنست که تبلیغات دامنه فوق العاده وسیعی پیدا کند و در میان عموم نفوذ یابد .

مثلاگر سابقا عده کمی ناطق بودند و توانائی آنرا داشتند که در میان جمعیت عظیمی درباره مسائل و اوضاع اجتماعی و سیاسی صحبت بدارند ، دردهای جامعه را تشریح و همل بدبختی های توده را بیان نمایند در دوره انقلاب و بعد از آن بر شمار و تعداد ناطقین خیلی اضافه شد . نطق و بیان جنبه عمومی بخود گرفت حتی خردسالان نیز مشق نطق میکردند .

بطور کلی ناطق بودن عمومیت پیدا نمود و نطق و بیان یکی از سلاح های موثر و نیرومند مبارزه با ارتجاع و عقب ماندگی و قدرت حکومت های جابر دشمن آزادی گردید .

یکی از جدید ترین و سائلی که وارد خدمت تبلیغات گردید و امر راهنمایی و بیدار نمودن توده های عظیم و وسیعی را تسهیل ساخت رادیو میباشد بوسیله رادیو ممکن است در عرض يك مدت بسیار کم و معین میلیونها نفر شنونده را مخاطب قرار داد و با آنها سخن گفت و با آنها درد دل کرد و آنها را برای نهضت های بزرگ و نیرومندی آماده ساخت

دیگر از سائلی که بمنظور توسعه «پروپاگاندا» مورد استفاده قرار گرفت سینما ، تئاتر ، راه آهن و اتوموبیل بود در پرتو استفاده از سینما و تاتر های «ثابت و سیار» میتوان بیک رشته تبلیغات وسیع و مؤثری مبادرت نمود با استفاده از وسائل حمل و نقل سریع مانند راه آهن اتوموبیل جمعتهای بزرگی را در میتینگ و نمایش های عظیمی شرکت داد .



کتاب های بیشمار چاپ و در قرائتخانه های عمومی ، در کلاسهای اکابر دسترس عموم قرار گرفت . کار تبلیغات بچگانه رسید که حتی روی بشقاب نیز نقاشی شد روی دیوارها شعار های برجسته جلب نظر میکرد .

وسائل تبلیغاتی در دور دست ترین مراکز مسکونی و دور افتاده ترین دهات و ده کوره ها بسط و توسعه یافت
خلاصه از هر وسیله برای تبلیغات استفاده شد و به عبارت دیگر « پرو پا گاند از در و دیوار میریخت »
بطور کلی بر اثر تحولات سیاسی و اجتماعی و طرق و وسائل تبلیغات نیز تغییر یافت .

هزاران روزنامه و مجله تاسیس شد و تعداد انتشار کتب بمیلیون هارسید .

تبلیغات بیک اسلحه نیرومند و فوق العاده قوی تبدیل شد که از یکطرف توده های وسیع را از حقیقت اوضاع باخبر نموده افکار آنها را برای رسیدن به هدف های اساسی و تحولات عظیم حاضر و آماده کرد و زمینه را برای مبارزه در راه ساختمان جامعه نوین کاملا مساعد ساخت .

یکی از بزرگان ، میگوید : وقتی که ملتی بمبارزه عظیمی دست میزند سازمان پوسیده و کهنه قدیمی را از میان برده سازمان نوینی بوجود میآورد جامعه کاملاً جدیدی را برپا میسازد ، تحولات بزرگی را در کلیه شئون اقتصادی و سیاسی عملی مینماید .

اینگونه مبارزات با سازمانهای پوسیده و عناصر فاسد بچندین

نحو صورت میگیرد و مطابق با شرایط روز به چندین جهت تقسیم میگردد و از هر جهت مبارزه در نهایت شدت بوقوع میبویند بطور مثال می توان گفت که وقتی ملتی برای ایجاد سازمان نوین دست به مبارزه میزند در کلیه جبهات اعم از اقتصادی - فرهنگی - سیاسی و نظامی به مبارزه میپردازد ولی از میان این جبهه های مختلف مبارزه ، نبرد در جبهه وایده نولوژی ، از نبرد در کلیه جبهه ها دشوارتر و مشکلتر است .

چرا ؟

علتش اینست که قرنهای مغز مردم باینکرشته خرافات ، موهومات و انواع و اقسام افکار ناقص ، کج و غلط آکنده شده است . این گونه افکار فاقد بیک پایه و اساس علمی یا تجربی و حقیقی است و علت این مسئله نیز محروم ماندن مردم از فرهنگ تعلیمات صحیح و فقدان بهداشت برای همه بوده است . فقدان بیک فرهنگ درست و حسابی موجب بسط و توسعه دامنه خرافات و اوهام در میان توده ها گردیده آنها را دشمن و مخالف هر دو نوع افکار و نظریات صحیح بازمیآورد و طبقاتی هم از جهل نادانی توده مردم سوء استفاده میکردند بوسیله گوناگون از توسعه علم و فرهنگ جلو گیری میکردند تا مبادا در نتیجه روشن شدن افکار عمومی منافع و موقعیتشان در معرض مخاطره قرار گیرد . اگر معارفی نیز وجود داشت تحت نظر و تسلط همان طبقات ذینفع قرار داشت

فقدان بیک بهداشت صحیح عمومی نیز باین جریان قهرمانی کمک میکرد و بالنتیجه اساس افکار خرافاتی و اوهام در مغزها استوارتر میشد . از طرف دیگر در نتیجه قرنهای تحمل زور و ستم مردم برده و ارتزبیت و بزرگ شده بودند و تصور اوضاعی غیر از آنچه در آن سر میگردند ،

برایشان امکان ناپذیر بود .

این عوامل تنزل و عقب ماندگی دست بدست هم داده موافق بزرگی
در سرد امر روشن شدن اذهان عمومی ایجاد می کردند بنا بر این نمیشد در عرض
چند سال مردم را با افکار صحیحی آشنا نمود و بحقایق امور
عادت داد.

در تحولات اقتصادی مثلا میتوان در عرض مدت معینی (۱۵-
۱۰ سال) با طرح و اجرای نقشه های معینی قیافه اوضاع اقتصادی یا
صنایع مملکت را کاملاً عوض کرد .

ولی تغییر طرز تفکر مردم و اصلاح آن امری نیست که باسانی
و بسرعت عملی گردد . در جبهه و ایده نو اوژیک ، هر چیز باید بر پایه
علم و منطق قرار گیرد . بنا بر این هر چه تبلیغات وسیعتر ، اساسی
تر و مؤثر تر باشد ، زودتر و بهتر می توان راه را کوتاه تر ساخت و
بقصود نایل آمد

تحولات اقتصادی در جامعه زمینه تحولات فکری در مردم است

تبلیغات

فاشیسم و متدهای تبلیغاتی انقلاب اوکتوبر

هدف و منظور اساسی انقلاب اوکتوبر ایجاد سازمان و روی
کار آوردن حکومت ورژیمی بود که در پرتو آن هر فردی آزادتر بیت
شود . رشد سیاسی و اقتصادی کامل پیدا کند زندگی منظم و راحتی
برای خود و خانواده اش ترتیب دهد .

در این رژیم هر فردی طبق استعداد و بر حسب میزان لیاقت

خود حقوق بگیرد . در چنین شرایطی زمینه برای مساوات کامل آماده
میشود

در جامعه سوسیالیستی علوم و فنون از خدمت طبقه یا طبقات
مخصوصی خارج شده روی اصل عالیتری برقرار میگردد مسئله تقسیم کار
بطور دقیق حل می شود

همه چیز برای مردم و در خدمت جامعه بکار برده میشود. دریک
چنین صورتی تلخی و زحمت کار از بین میرود و انسان کار را بمنزله تفریح
تلقی می نماید در صورتیکه در رژیم فاشیستی اساس کار بر روی زور گوئی
و تمایلات وهوی وهوس یک طبقه ممتاز و بر اساس استعمار (امپریالیزم) قرار
گرفته هدف اصلی برده ساختن توده ها و تهیه بازارهای پر استفاده و مناطق
قابل استثمار است

فاشیزم روی اصل استثمار سرمایه داری بنا نهاده شده ولی برای
اینکه توده ها را فریب دهد و قیافه حقیقی خود را از چشم آنها پوشاند
شعارهای عوام فریبانه ای را برای خود برگزیده در این رژیم انتری از
دموکراسی و آزادی در بین نیست و یکمشت رؤسای فاشیستی و یک اقلیت
ممتاز زور گو و بیرحم بر کشور فرمانروائی می کنند . . .

نظر ما این نیست که در این مختصر از اوضاع و سازمان داخلی حزب
فاشیست دقیقاً صحبت کنیم . منظور ما در این مختصر بیان این موضوع
اساسی است که با وجود اینکه اختلافات اساسی و با وجود این همه تفاوت
فاخش و مسلم فاشیست ها پاره ای از متدهای تبلیغاتی انقلاب او کتوبر را
دزدیده و مورد استفاده قرار دادند . فاشیزم برای پیش بردن منظور خود
و فریب دادن توده بعضی از اصول تبلیغاتی انقلاب او کتوبر را اقتباس
نمود .

از جمله فاشیست ها روز اول ماه مه هر سال را که روز کارگری و سوسیالیستی است برای خود اختیار کردند تا بدین ترتیب توده را فریب دهند و نگذارند که سوسیالیست ها از این روز استفاده کرده و آنرا بر علیه فاشیست ها به کار برند و بالنتیجه از توجه و تمایل توده های عظیم بطرف سوسیالیسم جلو گیری نمایند .

البته توده ها نااندازه ای فریب وعده های دروغین و تظاهرات عوام فریبانه فاشیست ها را خورده و بطرف آنها رفتند و در نتیجه بشدید ترین وجهی نتیجه این اشتباهات را تحمل کردند و ثمره این افکار زهر آکین را که موجب ائتلاف میلیون ها نفوس بی گناه گردید بچشم خویش دیدند .

ولی بالاخره چشم آن عده هم باز شد و بر همه ثابت گردید که فاشیزم قوی ترین و برنده ترین سلاح امپریالیزم بوده و دشمن حقیقی و خونین کارگران و عقاید سوسیالیستی است .
فاشیست ها غیر از عید اول ماه مه سیستم میتینگ، نوشتن شعار و استفاده از تانر سینما را که وسائل تبلیغاتی یادگار انقلاب او کتوبر شمرده میشوند دزدیده مورد استفاده قرار دادند .

بعد از این مقدمات باید دید که آیا در کشور ما هم متدو روش تبلیغاتی ما باید روی اصل تبلیغات توده ای باشد ؟
البته تردیدی نیست که ما باید از کلیه تجربیات سودمند دنیا استفاده کامل بکنیم و آنها را برای رسیدن بمقاصد خویش بکار بندیم زیرا در جایی که فاشیزم با این همه اختلاف فاحش از اجرای این متود خود داری نمی نماید استفاده نکردن ما از این متود موثر فقط نتیجه انجاماد و تعصب بیجا خواهد بود

تذکر این مطلب لازم است که شعار و هدفهای انقلاب از کتوبر یا شعارها و هدف آزادیخواهان ایران فرق فاحشی دارد مثلا در انقلاب او کتوبر شعارها جنبه سوسیالیستی داشت در صورتیکه در کشور ما شعار مادمکراسی و اجرای قانون اساسی میباشد شعار ما مبارزه با هر گونه سیاحت استعمار است . هنوز کلیه آزادی خواهان ایران تحت یک لوای واحد جمع نشده اند و هدف ما گرد آوردن آنان در زیر یک پرچم واحد برای مبارزه در راه احیای ایران میباشد . مملکت هیچ مانعی ندارد که ما برای بیدار کردن توده های عظیم ایران و متشکل ساختن آنان برای رسیدن با آزادی از متدها و روش پر و پا گندی توده دنیا استفاده نمائیم .

اصولا ما بایستی تمام قسمت های خوب و سودمند را از دموکراسی های امریکا ، فرانسه و انگلستان اقتباس نموده و با دقت تمام بکار بندیم زیرا تردیدی نمی توان داشت که اروپائی ها در اصول تشکیلات حزبی سابق متمدنی دارند ما باید برای استفاده از این همه سوابق صرفاً بعلت تعصب خشک و بیجا خودداری نمائیم .

باید طرق و وسایل اقتباس را با مقتضیات زمان و مکان (محل و وقت) تطبیق دهیم و نباید سعی کنیم که اصول متخذ را بدون کمترین تغییرات و عیناً و بی کم و کاست در کشور خودمان عملی نمائیم

ممکن است برخی عناصر ضد آزادی و مرتجع این نظر را مورد اعتراض یا انتقاد قرار دهند . در جواب این گونه اشخاص باید گفت که استفاده و اقتباس از اصول و طرق ملت های دیگر موجب سرشکستگی نیست زیرا نباید از نظر دور داشت که ما قوانین اساسی خود را هم

از قوانین اساسی کشور های دیگر اقتباس کرده ایم کلاه و لباس با اصول و سازمانهای اداری خود را نیز از ملت ها و دولت های دیگر اقتباس نموده ایم .

علم اختصاص بیک دسته یا ملت مخصوص ندارد علم وطن نهی شناسد زمانی بود که دیگران خیلی چیزها را از ما گرفته و اقتباس کرده اند اکنون نوبت ما است که از ترقیات علمی ، تکنیکی ، اجتماعی دیگران استفاده نمایم و چیزهای مفید و لازم را از آنها فراگیریم و در راه پیشرفت خودمان از آن وسائل استفاده کامل بکنیم و پیروزی خودمان را در رسیدن با آرزوی حقیقی تسریع و مسلم سازیم .

کار کمیسیون تبلیغات

کمیسیون تبلیغات حزب و وظایف دامنه دار مهمی بعهده دارد که باید بوسیله سازمانهای مربوطه خود انجام دهد از جمله این وظایف :

- ۱- تنظیم نقشه مذاکرات حوزه ها
- ۲- اداره و تنظیم برنامه میتینگ ها، کنفرانسهای علمی و سیاسی و تهیه بیانیه ها
- ۳- اداره روزنامه حزبی و مجله ها و کتب وابسته بحزب
- ۴- اداره تئاتر و سینما

نقشه کار در حوزه ها

مذاکرات حوزه ها از لحاظ تربیت-فکری و سیاسی افراد حزب و بالا بردن سطح فکر معلومات آنان اهمیت فوق العاده زیادی دارد .
باین جهت سازمان تبلیغاتی حزب باید تنظیم نقشه های مربوط

به مذاکرات حوزه ها جدیت زیاد مبذول دارد.

معمولا کمیسیون تبلیغات نقشه مذاکرات حوزه ها را برای مدت يك یا سه ماه تهیه و تنظیم مینماید مثلا تعیین میکنند که در هفته اول در باره انتخابات، هفته دوم درباره احتکار و طرق مبارزه با آن هفته سوم وضع سیاسی کشور هفته چهارم اوضاع بین المللی و... مذاکره و بحث شود. اغلب اتفاق می افتد که حوزه ها دارای احتیاجات خصوصی میباشد مثلا ممکن است حوزه ای علاقه مند باشد در باره وضع زندگی و طرز کار دهقانان و کشاورزان کشور بحث شود یا برنامه حزب مطرح گردد و یا بالاخره سیاست مالی دولت مورد مباحثه و حلای قرار گیرد البته ممکن است حوزه های دیگر يك چنین احتیاجاتی نداشته باشند یعنی در اطراف اینگونه مسائل اطلاعات کافی داشته باشند پس نمیتوان آنها را عم و ادا کرد که در برنامه های خود بحث در خصوص این مسائل رانیز وارد نمایند

نقشه تنظیمی کمیسیون تبلیغات هیچ وقت نباید خشک و جامد بوده از حدود احتیاجات محیط و روز مره دور باشد برنامه و نقشه حوزه ها باید زنده و عمیق تهیه شود تا قدرت آنرا داشته باشد که نتایج خوبی در تربیت فکری افراد حزب بدهد.

بنابر بر این مذاکرات حوزه ها جنبه دوجانبی دارد: یک رشته مطالب کلی و عمومی برای تمام حوزه ها و یک رشته مسائل خصوصی مطابق وضع و احتیاجات بعضی از حوزه ها

در موقع مذاکرات در حوزه ها باید انضباط و نظم کامل حکم فرما باشد مخصوصا افراد حزب باید در حوزه های مربوطه فن درست گوش دادن و درست فهمیدن و بانظم و ترتیب نوبت حرف زدن را مراعات کنند و یاد بگیرند و بی بحث در اطراف مسائل علمی علاقه حقیقی نشان بدهند.

کلاس سیاسی حزب

تردید نیست که در ابتدای تشکیل يك حزب عموم افراد آن دارای تعلیمات سیاسی کافی نمیباشند برای رفع این نقص علاوه بر تعلیمات ساده ای که در حوزه ها داده میشود، کلاس‌هایی بوجود می‌آید که در آنها یک‌گرفته تعلیمات دقیق حزبی به عناصر جدیدی وفهمیده و فعال حزب داده میشود.

این کلاس‌ها بر دو نوع است

۱- کلاس سیاسی عالی ۲- کلاس سیاسی متوسطه- افراد دارای تحصیلات عالی در کلاس عالی مشغول میشوند برنامه این کلاس شامل تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی اجتماعی و علمی و اقتصاد سیاسی است این مواد باید بوسیله تئوریسین‌های دانشمند حزبی تدریس شود. افرادی که دوره این کلاس را پایان می‌رسانند دارای تعلیمات کافی سیاسی خواهند بود و وجود آنها برای حزب فوق‌العاده گرانها شمرده خواهد شد و در واقع کادر حزبی خوبی تربیت خواهند شد. در کلاس سیاسی متوسطه معمولاً افرادی که دارای تحصیلات نسبتاً کافی هستند و هم چنین کارگران چیز فهم وارد میشوند در این دوره نیز مسائل سیاسی و اجتماعی بطور ساده تر و روش‌تر تدریس میشود

کلاس‌های اکابر

کمیسیون تبلیغات باید بایسواد مبارزه نماید و برای این منظور تنها وسیله مؤثر ایجاد و اداره کلاسهای اکابر شبانه است. در این کلاسهای که بوسیله روشن فکران حزبی و اغلب اوقات بوسیله افرادی که شغلشان آموزش گای یادگیری است اداره میشوند، علاوه

بر توجه کامل به باسواد کردن افراد حزبی بخصوص کارگران و دهقانان باید سعی شود که مسائل حزبی نیز بزبان ساده تشریح گردد .

روشنفکران حزب باید برای اجرای این نقشه مخصوصا مجاهدت زیادی مبذول دارند و سعی کنند که از اوقات بیکاری خود حاد اکثر استفاده را برای ادازه کلاسهای اکابر بنمایند .

تأثر و سببها

از نقطه نظر تربیت فکری افراد يك جامعه تأثیر و نتایج زیادی دارد. زیرا اغلب مفاسد، نواقص و نقاط ضعف جامعه و افراد در روی صحنه مجسم می شود و مشاهده آن تأثیر زیاد در روح و فکر تماشایی دارد .

موضوع نمایشنامه ها نه تنها باید نشان دادن معایب و نقاط ضعف باشد بلکه باید مبارزه و راه اصلاح را هم نشان دهد تا بیش از پیش اثر و نتیجه داشته باشد. تأثیر هائی که داده می شود باید روح مبارزه در راه آزادی و رسیدن به مقصود را کاملا و آشکارا نشان بدهد
در کلوب حزبی که مسلما دارای يك تالار نمایش است باید از طرف هنرپیشگان حزبی پیس های كوچك اجتماعی، اخلاقی داد و در طی آنها سعی کرد که فداکارها و مبارزات در راه تحصیل آزادی را مجسم ساخت .

تهیه فیلمهای خوب و مؤثر نیز دارای اثرات زیادی است و برای این منظور باید سعی کرد که اغلب اوقات فیلم های مربوط برندگان بزرگان آزادیخواه یا مبارزه يك ملت را بر علیه مهاجمین غارتگر و استیلاجو و یا طرز زندگانی مناطق عقب مانده مستعمراتی را بطور

مجانمی یا بقیمت ارزان در معرض استفاده و تماشای افراد حزبی قرار داد

د کلاماسیون

بیان داستانه‌ها، اشعار و قطعات مه‌یج با لحن و حرکات هیجان آور و مؤثر اثرات عمیق در روح شنوندگان دارد .
این کار یعنی «د کلاماسیون» متاسفانه در کشور ما معمول نیست
حزب باید برای بیدار ساختن افکار عمومی توده‌ها افراد را برای
این کار تربیت نماید .

د کلاماتورها با خواندن اشعار باقطعاتی در يك مجمع میتوانند
حاضر را سخت بهیجان آورده آنها را برای هرگونه فداکاری حاضر
نمایند .

گاهی اوقات «د کلاماتور» ممکن است در پرتو مهارت خود
حاضرین را بطرف مبارزه سوق دهد

ناطق و ناطق

یکی از اسلحه‌های موثر و نیرومند مبارزه ناطق است . بوسیله
این سلاح قوی می‌توان توده‌ها را بیدار کرد ، آنها را به مفاسد دستگاه
حاکمه و مخاطراتی که سر نوشت و حقوق شان را تهدید مینماید آشنا
ساخت احساسات شان را ته‌یج نموده بر علیه طبقه حاکمه بیدادگر برانگیخت
به‌مین جهت است که حزب باید توجه زیادی برای تربیت ناطقین خوب
مقبول دارد . یکنفر ناطق در موقع نطق باید نکات زیر را رعایت نماید :
در يك تالار یا سالون یادریك متینك عده ای گردد آمده منتظر

نطق هستند . پیش از هر چیز ناطق باید بداند که با چگونه اشخاصی طرف است مخالفین وی چه کسانی هستند . احتیاجانشان از چه نوع است . عادات و رسوم و سوابق آنها چطور است .

البته در دفعه اول این امر تا حدی دشوار است ولی بعد از آنکه ناطق چند بار در مجمع معینی خواه یک مدرسه عالی خواه یک کارخانه سخنرانی کرد بیشتر باین کیفیات واقف میشود و بهتر می تواند اصول روح نطق خود را بار و حیه و طرز فکر و احتیاجات مخاطبین خود وفق دهد .

برای اینکه این امر آسانتر صورت گیرد ناطق باید با اصول روان شناسی آشنا بوده و از این علم تا حدی اطلاع داشته باشد در یک سالون یا یک متینک هر چه سطح معلومات شنوندگان پائین تر باشد همانقدر احساسات در آنها مؤثر است

در یک چنین مجمعی هر چه ناطق صدایش رساتر ، بلند تر و مهیج تر باشد همانقدر آنها را جلب نموده تکان میدهد جمله های قشنگ همچنان انگیز فوق العاده اثر دارد . بر عکس هر چه سطح معلومات و فکر شنوندگان بالا تر باشد بهمان اندازه باید ناطق در صحبت های خود منطق قوی بکار برد .

البته اگر ناطق هم دارای منطق قوی باشد و هم مهیج صحبت بکند بهتر است ولی اگر این قبیل ناطق ها پیدا نشود باید با نهائی که موجودند ، قانع شد . شخصیت ناطق ، معروفیت و میزان اعتمادی که شنوندگان نسبت با او دارند ، در تاثیر صحبت های ناطق فوق العاده زیاد است .

در سخنرانیها باید کوشید که از « دماغوژی » (عوام فریبی) احتراز نمود . عوام فریبی بدترین و کثیف ترین کارهاست . اینگونه اقدامات برای حزبی که افراد آن برای آزادی ، استقلال و نجات کشور

قیام کرده اند بسیار نارواست . زیرا ماسک عوام فریبی فاقد دوام استحکام است و بالاخره این ماسک بزودی پاره خواهد شد و چهره حقیقت از پس آن نمایان خواهد گردید . باید همواره حقایق را با توده درمیان نهاد و مردانه در راه رفع آن ها مجاهدت کرد . يك ناطق حزبی هیچ گاه نباید در صدم غلطه و سفسطه بر آید .

اساس و پایه کار ما باید روی راستی و درستی گذاشته شود زیرا حرف ماحق است . عمل ما فقط برای حفظ آزادی کشور و حقوق توده های عظیم زحمتکش ملت است پس نباید در راه اظهار حقیقت بیمی بخود راه داد و در صدد کتمان آن یا جلو دادن آن بصورت و رنگی دیگر ، بر آمد .

ناطق باید بچرفهائی که میگویند ایمان کامل داشته باشد زیرا در صورتی که از روی ایمان صحبت نکند کسی اظهارات او را نخواهد پذیرفت و باین جهت اظهاراتش دارای اثر و نتیجه ای نخواهد بود .

پیش از هر چیز باید نخست خودمان با آنچه میگوئیم و می کنیم ایمان و عقیده داشته باشیم تا بتوانیم از اظهارات خود نتیجه مثبت لازم را بگیریم .

در موردیکه موضوع نطق مبارزه با گرسنگی با امراض خطرناک میباشد در موقعی که ناطق در اطراف مبارزه با ارتجاع سخنرانی می نماید ، باید جملات ، لحن و طرز بیان فوق العاده مهیج باشد در این گونه موارد احساسات دل بسیار بازی می کند . باید احساسات شنوندگان را تهییج کرد و آنها را بمبارزه و اقدام جدی دعوت نمود .

در مواردیکه موضوع بحث علمی است ، بازمسائل سیاسی صحبت

می شود ناطق باید بمنطق قوی دست برده مسئله را کاملاروشن نماید تا مردم خوب بفهند .

در موقعی که ناطق در يك سالون صحبت میکند ممکن است بدلائل و منطقی خود جمعی را قانع و طرفدار نماید ولی برعکس موانع نشود عده ای را بطرف خود جلب کند در این گونه موارد تجربه و لیاقت شرط اساسی موفقیت است .
باید کوشید که در موقع ایراد نطق از ادای جملات ثقیل و کلمات قلنبه احتراز نمود .

ناطق باید خیلی ساده و کاملاً توده ای صحبت کند
مثالهای جالب توجهی از زندگی روزمره و اوضاع حاضر بیاورد
نطق باید مختصر و مفید باشد . صحبت طولانی خسته کننده و بیفایده است و اثر خود را از دست میدهد . نباید خشک و خسته کننده و بیک نواخت صحبت کرد زیرا در این حالت حتماً شنوندگان کسل خواهند شد و خوابشان خواهد برد . برای اینکه شنوندگان بشنوندن نطق ابراز علاقه نمایند باید گاهی مثالهای بجا خنده دار و مشغول کننده یا بموقع زداینگونه شیرینکاری ها مردم را تا آخر نطق ترقیق ، علاقه مند و سرگرم خواهد ساخت
بعلاوه سکوت کامل در سالون حکم فرما خواهد شد و ناطق برای بیان مقاصد فرصت بهتری خواهد داشت .

البته در مواردیکه موضوع نطق مبارزه با ارتجاع و نشان دادن خشم و عصبانیت بعملیات مزدوران باشد جملات و لحن بیان ناطق باید کاملاً هیجان انگیز و جدی باشد در این گونه موارد آوردن مثالهای خنده دار و تفریحی مناسب نیست و اثر لازم را از بین میبرد .
در موقع صحبت برای کارگران و کشاورزان باید مثالهای زنده ای

از وضع روزانه آنها و طرز کارشان آورد .

«ژست» های طبیعی ناطق، حرکات و اشارات وی برای جلب توجه شنوندگان وسیله بسیار مؤثری است ولی ژست های بدو مصنوعی از میزان تاثیر ، اهمیت موضوع و شخصیت ناطق فوق العاده می‌کاهد . ژست های سبک بسیار زننده است و مسلماً اثر سوئی در میان شنوندگان خواهد داشت

اصولاً ناطقین در سخنرانی های خود باید نکات زیر را بتوده گوش زد نمایند

۱- در شرایط عقب مانده ماتوده همیشه و در همه حال توسری خور بوده، ارنجاع با قدرت تمام جلوی بیداری ، پیشرفت فکری او را گرفته کوشیده است که دست و پای توده را در زنجیر خرافات نگه داشته و اجازه ندهد که برای دفاع از حقوق خود قیام نمایند .

باو فهمانده اند که تولایق هیچ چیز نیستی . همه چیز از آن طبقه ممتاز است . باید بتوده فهماند که قدرت در دست شما است و وضع کنونی نتیجه عقب ماندگی شما است ، اگر متحد شوید ، اگر دست بدست هم داده برای پاره کردن زنجیر رقیت و اسارت قیام کنید ، همه چیز خواهید داشت اوضاع و شرایط کنونی را تغییر خواهید داد و در جامعه بانظم و سازمان جدید که حقوق و منافع شما را تامین نماید زندگانی خواهید کرد .

۲- در مبارزه با ارتجاع و عقب ماندگی باید اعتماد توده فقط بنیرو و قدرت خود باشد باید آنقدر کوشید و مبارزه کرد تا اوضاع را کاملاً اصلاح نمود و از شرایط عقب مانده کنونی بیرون آمدن انتظار از متسکی بودن به نیروی دیگران غلط و بیفایده است توده برای نجات و سعادت

خود دامن همت بکمرزند و با تمام قوا برای رسیدن آرزوی حقیقی و حقوق خود فداکاری و مجاهدت نماید .

۳- سیاست باید از حال انحصار و از دست یکمده محدود که طبقه حاکمه را تشکیل میدهند بیرون آید . در شرایط و اوضاع کنونی کلیه سازمان های اجتماعی و مخصوصاً فرهنگ در خدمت طبقه حاکمه است

باید این وضع کلی از بین برود باید سیاست از صورت انحصاری خارج گردد و متعلق همه باشد باید عموم افراد ملت اعم از دهقانان پیشه وران کارگران و روشنفکران در سیاست و اداره امور جامعه خود در زبده شوند و قایمی مانند محاکمه مختاری، موضوعاتی مانند انتخابات، سائلی مانند مسائل مربوط به بهداشت و غیره بصورت رساله چاپ و منتشر گردد . در رساله های علمی باید دانش بسیار ساده ای بکار برد تا فهم مطالب آن آسانی ممکن باشد .

رساله هایی که با انشاء نقیض و اصطلاحات قلمبه نوشته میشود ملافایده و اثری ندارد و چه بسا ممکن است بر اثر نفهمیدن بدبینی ایجاد شود .

۳ - روزنامه

روزنامه حزبی سلاح بزرگ و مؤثری است برای مبارزه با ارتجاع و استقرار آزادی . روزنامه آزاد بخواه یک نوع پرچم آزادی است که مردم را بدور خود جمع کرده آنها را در راه پیروزی رهبری مینماید و آنها را بسوی هدف اصلی هدایت میکند .

روزنامه حزبی یک عامل « اورگانیزاتور » بوده توده ها را متشکل میسازد و اصول و طرق مبارزه را برای رسیدن به هدف بآنها یاد میدهد . اسلحه های تازه ای در دستشان میگذارد و دستورات روزانه را با افراد حزب میرساند و آنها را تحت اداره دقیق و صحیح قرار میدهد .

روزنامه حزبی قویترین و بوله ارتباط حزبی است مرکز را باطراف مربوط میسازد ولایات را از جریانات حزبی و سیاسی مرکز باخبر میکند و افراد حزب را در خارج از مرکز نسبت بوقایع و جریانات حزبی و نقاط مختلف و مرکز مطلع نگاه میدارد

روزنامه ارتجاعی مانند تریاک یاسمی است که متدرجا و هرروز مقداری از آن در مغز روح و فکر مردم رسوخ مینماید و آنها را مسموم و ضعیف الاراده میسازد.

ولی روزنامه آزادیخواه بمنزله چراغ راهنمائی است که راه مبارزین آزادی را روشن نموده مردم را بدور خود جمع میکند و آنها را بحقوق خود آشنائی میسازد و بمقصود و هدف اساسی رهبری می نماید .

مندرجات روزنامه آزادیخواه مانند غذائی است که یومیه برای خوانندگان آنها تهیه می شود . مطالبی که در این روزنامه وجود دارد غذای روحی علاقه مندان آنست روزنامه آزادیخواه ، طرز آزاد فکر کردن ، آزاد زیستن ، و خدمت بخلاق و جامعه را در نهایت صراحت یاد میدهد .

روزنامه حزبی باید از احتیاجات کوچک کارگران ، دهقانان ، پیشه وران و روشنفکران گرفته تا مهمترین مسائل کشوری را مورد دقت قرار داده و در آن بحث و دفاع نماید . اگر روزنامه حزبی حتی از حقوق ساده زارعی که یکمن گندمش بغارت رفته یا لباس کارگر دفاع نکند غیر ممکن است توده را به مندرجات و اهمیت خود علاقه مند سازد و مردم را بدور حزب گرد آورد .

روزنامه حزبی بمنزله مربی بزرگی است که همه از آن پیروی می کنند و از آن حرف شنوی دارند بایستی مندرجات آن جنبه شخصی

نداشته باشد و باید کوشید که از لحاظ «ایده‌مولوژی» کوچکترین لغزش و اشتباهی در آن روی ندهد حتی در چاپ آگهیها نیز باید دقت کامل بعمل آید چه بسا ممکن است که مرتجعین بمنظور پلمبیدی اعلانی چاپ کنند که به حیثیت حزب و روزنامه زبان رساند روزنامه حزبی قوی‌ترین اسلحه حزبی باید این اسلحه هر آن در نیرومند تر و برنده تر گردد و دشمنان نتوانند از مندرجات آن سوء استفاده و اتخاذ سند نمایند .

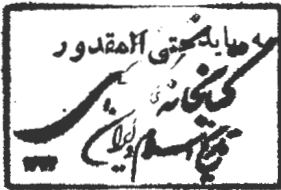
زبان و طرز نگارش روزنامه حزبی باید فوق‌العاده ساده و عادی باشد . از تکلیف و پیچیدگی باید اجتناب کرد زیرا این روزنامه برای توده نوشته میشود و باید بزبان توده باشد و هرگز رابطه آن با توده قطع نگردد

روزنامه حزبی باید مسائل ضروری و فوری و حیاتی روز را مورد بحث قرار دهد . از مسائل روزمره و احتیاجات روزانه نباید پرت شود . باید چاره و راه علاج نشان دهد و راهنمای کامل توده باشد سرمقاله باید مختصر و مفید بوده حکم یک فرمان را داشته باشد که در خوانندگان روح مبارزه را قوت دهد و افراد حزب را در راه مبارزه با ارتجاع قوی‌دل نگاهدارد .

سرمقاله باید بالحنی تند و مهیج نگاشته شود ، برنگی و اثر عمیق داشته باشد و خوانندگان را بهیجان آورد در واقع سرمقاله روزنامه حزبی رهبر افراد حزب است

نامه‌هایی که از شهرستانها می‌رسد باید در روزنامه حزبی منعکس و چاپ شود مطالب مهم سیاسی را باید در صفحه اول با حروف درشت

و بالحنی گیرا و بانقوذ درج نمود حروف روزنامه باید مختصراً و با حروف درشت باشد تا چشم خوانندگان خسته نشود



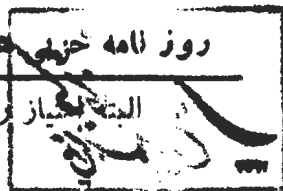
وجود کاریکاتور خوب در روزنامه حزبی لازم است زیرا کاریکاتور خوب بسیار جالب است و چون پیش از یک مقاله مفصل روح وافر دارد. در روزنامه باید قسمت های مختلفی برای تشریح کامل زندگی کاریکاتوری و روستائی و برای بحث در باره آثار هنری سینما، تئاتر و زندگی کاریکاتوری وجود داشته باشد زیرا تنوع مطالب آنرا از صورت یکنواخت و خشک بیرون میآورد و موجب جلب خوانندگان میشود. ظاهر روزنامه باید قشنگ و جالب باشد در فرم بندی و میزان. بازه آن باید دقت کاملی بعمل آید. از درج مقالات و مطالب دنباله دار و تحت شماره حتی المقدور باید خودداری نمود. باید کوشید که توزیع روزنامه مرتب باشد بموقع بدست خواننده برسد دردهات کارخانه ها خوب توزیع گردد و برای این منظور باید جدیت کاملی از طرف کارکنان داخلی روزنامه و اعضای حزب بعمل آید.

روزنامه باید در مرکز و شهرستانها خبر نگاران خوب و دقیق داشته باشد خبر نگاران روزنامه نه تنها باید به تهیه خبر و گزارش های جالب و مفید پردازد بلکه راهنمایی مفید را در پیشرفت کارهای روزنامه بنماید.

این خبر نگاران در واقع باید کادر نویسندگان آینده را تشکیل دهند. در هر مؤسسه، کارخانه، ده، اداره، آموزشگاه باید خبر نگار داشت در نتیجه فعالیت همین خبر نگاران است که باید مطالب و مندرجات روزنامه حزبی موافق احتیاجات روزمره باشد.

روزنامه حزبی همواره تعلق به حزب دارد

البتة الحیاز روزنامه متعلق بیک فرد معین است ولی اداره آن



هرگز نباید بوسیله يك نفر مدیر یا صاحب امتیاز و عضو هیئت تحریریه صورت
 گیرد صاحب امتیاز روزنامه ممکن است در صلاح دید جزو هیئت تحریریه یا
 مسئول روزنامه باشد (ممکن است عکس این قضیه هم باشد)
 روزنامه ارگان حزب که مستقیماً تحت نظر کمیته مرکزی یا بالائی
 است باید بوسیله يك هیئت تحریریه اداره شود شماره افراد این هیئت متفاوت
 است و ممکن است سه یا پنج یا هفت نفر باشد. البته این عده می توانند
 نویسندگان دیگری را برای هم کاری انتخاب یا جلب نمایند. در صورت
 لزوم ممکن است تغییر و تبدیلی در افراد هیئت تحریریه داده شود.
 در برخی از کشور های دموکراسی دیده شده که گاهی روزنامه
 کم کم از حیطه اقتدار حزب در آمده و شکل خصوصی و شخصی بخود
 گرفته است. این کار کاملاً غلط است ارگان حزب باید همواره در تمام
 موارد تحت اختیار حزب باشد.

البته غیر از ارگان مرکزی حزب ممکن است روزنامه های محلی
 وابسته یا متعلق به حزب داشت برای رفع معایب و نواقص روز نامه های
 حزبی باید هر چند وقت یکبار کلیه نویسندگان روزنامه تشکیل جلسه
 داده به مشاوره پردازند نویسندگان روزنامه حزبی باید رابطه فکری
 صمیمانه ای با هم داشته و همواره با هم در تماس باشند زیرا در غیر این
 صورت یعنی در صورت تفرقه نویسندگان روش و لحن روزنامه متفاوت
 خواهد بود و ممکنست روش اساسی و خط مشی حزب رعایت نشود

۴- روزنامه دیواری

در هر مؤسسه یا مجامع بزرگی مانند آموزشگاه ها، کارخانه ها،

کلوبها و غیره روز نامه دیواری دایر میشود. در این گونه روزنامه-ها بیشتر از وضعیت داخلی صحبت میشود مثلا از نواقصی که در جلسات عمومی روزهای جمعه دیده میشود، یا از معایب طرز کار کارمندان کلوب و غیره صحبت و انتقاد میشود. ممکن است در این روزنامهها برای اصلاح امور و سازمان داخلی کلوب ها برنامه یا تذکرات اصلاحی قید گردد یا طرز رفتار و حرکت یا مستی یک فرد حزبی در داخل کلوب مورد انتقاد قرار گیرد البته انتقادات باید از روی بیغرضی کامل بعمل آید مثل اینکه یکی از افراد حزب در حوزه خود دیرتر از دیگران حاضر شود یا بدون عذر موجه غیبت نماید

روزنامه دیواری ماهی یکبار یا دو بار منتشر و بدیوار کلوب در محل ثابت و معینی چسبانیده میشود.

روزنامه دیواری را معمولا بادست یا ماشین تحریر مینویسند روزنامه دیواری باید اسم مناسبی مثلا (توده) یا (جوانان مبارز) داشته باشد در تنظیم مطالب آن باید دقت و سلیقه زیاد بکار برده شود و در بالای آن علامتی حاکی از روح مبارزه نقاشی شده باشد.

در روز نامه دیواری باید مطالب مختصر و مفید درج گردد. از درج مطالب خسته کننده باید احتراز نمود و مخصوصا باید سعی کرد که قسمت های فکاهی زیاد داشته باشد.

روزنامه دیواری ممکن است معرف کامل حوزه خود باشد بهر صورت مکتب خوبی برای تربیت یکمده نویسنده خوب شمرده میشود.

مربوط است .

هر روز نباید بیانیه ای صادر کرد و در آن راجع به مسائل عادی

صحبت کرد .

اخیراً عادت شده که هر روز بیانیه حتی در هر ده کلمه منتشر میشود

اینکار درست نیست .

زیرا بیانیه يك مدرك و سند حزبی است و غیر از مواقع و لحاظ

مهم مانند انتخابات - تاسیس حزب - یاد صورت روی دادن وقایعی نظیر

۱۷ آذر ، نباید بیانیه صادر کرد

در تهیه بیانیه باید کوشید که از لحاظ سیاسی و طرز انشاء بسیار

متین و سنگین باشد و هیچ گونه اشتباهی در آن روی ندهد زیرا بیانیه يك

سند مهم حزبی است و دشمن نباید بتواند از آن استفاده کند

در نواحی دور از مرکز بدون نظر و راهنمایی يك رفیق حزبی

بسا وادو کار آزموده و روشن نباید با انتشار بیانیه مبادرت ورزید مخصوصاً

در صورت چاپ آن باید دقت و مراقبت کامل را در همه درجات

آن نمود .

کلوب حزبی

یکی از موسساتی که در تربیت اجتماعی افراد حزبی بسیار مؤثر

است کلوب های حزبی است . کلوب در عین حال که محلی برای استراحت

افراد حزب و تفریح آنهاست ، مکانی است که با افراد حزب تربیت

سیاسی و اجتماعی میدهد .

سطح فکر و معلومات آنها را ترقی میدهد و انس و علاقه را بین

افراد حزب بیشتر و قویتر میسازد .

کلوب باید در محل مناسب و خوبی واقع باشد .
نمای خارجی و وضع داخلی آن باید پاکیزه و قشنگ باشد تا
افراد اربوسی خود جلب کند. در کلوب باید عکس ها و تصاویر بزرگان
راه آزادی و تابلو هایی از وقایع مهم و جنگهای آزادی نصب گردد
و شعار های سنگین و اساسی از قبیل «باهر گونه سیاست استعماری مبارزه
کنید» «یاد زنده باد قانون اساسی» و غیره روی پارچه های
تمیز نوشته شود .

ممکن است این شعار ها جنبه موقتی داشته و مطابق با احتیاجات
روز باشد در داخل کلوب باید نظم و سازمان صحیحی حکمفرما باشد .
کلوب باید جاهای مخصوصی برای بازی های ورزشی و تفریح
های فکری ، بازی شطرنج تاآر ، و نمایش وجود داشته باشد .
باید اطاق های مخصوص برای مذاکرات سیاسی و بحث های
علمی دایر باشد .

کلوب حزبی باید قرائتخانه مرتب و کتابخانه منظم داشته باشد
البته باید سعی کرد که کلیه شرایط سرگرمی چه سیاسی ، چه علمی
و چه تفریحی در کلوب وجود داشته باشد تا اجتماعات در کلوب صورت
یکنواخت بخود نگیرد و خسته کننده نباشد .

افراد هنرمند حزبی میتوانند با قرارداد آوار هنری خود در

محل معینی از داخل کلوب نمایشگاه جالب توجهی ترتیب دهند
کلوب حزبی باید میعاد گاه افراد حزب باشد . در اینجا باید
جلساتی برای آزادیخواهان غیر حزبی نیز تشکیل داد و از آنها دعوت
کرد که در روزهای معین برای دیدن نمایش باشنیدن سخنرانی علمی

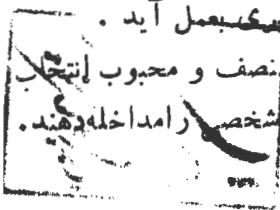
یا سیاسی جالب توجهی حاضر شوند.
افراد حزب باید منتهی درجه نظم رادر داخل معوطه کلوب
از خود نشان دهند .

محاكمه دوستانه (رفاقتی)

گاهی اتفاق میافتد که در ضمن مباحثات بین دو یا چند نفر از افراد حزب
کدورت و اختلاف ایجاد میشود و احياناً این اختلاف و کدورت به توهین منجر
میکردد. در يك چنین صورتی باید سعی کرد که حتی الامکان اختلافات را
بین خود حل و رفع کدورت نمایند یا با میانجگیری شخص ثالث آشتی کنند.
اگر این وسائل موثر واقع نشد نباید طرفین مخالف را بحال
خود گذاشت تا پایه اختلافاتشان محکمتر شود و نسبت بهم دشمن
گردند بلکه محاکمه دوستانه ترتیب داد .

در حضور سه نفر قاضی حزبی طرفین اختلاف را مورد
محاکمه قرار داد رای محکمه برای طرفین حتمی و لازم الاجراست.
این گونه محاکمات بیشتر جنبه دوستانه و اخلاقی دارد و برای
اینکه آثار و نتایج آن بیشتر باشد مخصوصاً خوب است که عده زیادی
از افراد حزب در محاکمه حضور بهم رسانند تا درس عبرتی برای همه باشد
و در آینده از این نوع پیش آمد ها جلو گیری بعمل آید .

داد رسان حزبی باید از افراد باایمان ، منصف و محبوب انتخاب
شوند و اینان نباید در موقع قضاوت احساسات شخص را مداخله دهند.



جلد دوم این کتاب بزودی چاپ و منتشر
خواهد شد

